

اندیشه‌های حکومتی مدرس

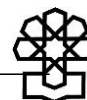
دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

کد موضوعی: ۳۳۰
شماره مسلسل: ۱۴۵۴۸
آذرماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	فصل اول - تحولات علمی، سیاسی و اجتماعی
۱۹.....	فصل دوم - مدرس در پنج دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی
۳۸.....	فصل سوم - اندیشه سیاسی مدرس
۴۷.....	فصل چهارم - اندیشه‌های حقوقی و پارلمانی مدرس
۵۱.....	فصل پنجم - مدرس و دیگران
۵۵.....	نتیجه‌گیری
۵۶.....	منابع و مأخذ



اندیشه‌های حکومتی مدرس

چکیده

براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ش، دهم آذرماه، سالروز شهادت آیت‌الله سیدحسین مدرس، به عنوان «روز مجلس» نامگذاری شده است. انگیزه اصلی از این نامگذاری، حضور و مبارزات مجاهد و سیاستمدار خستگی‌ناپذیر شهید مدرس در مجلس شورای ملی علیه استبداد و استعمار بود و یادآور نام و یاد نماینده جاودان ملت است. او کسی بود که با اقدامات و خدمات خود برای همیشه گنجینه‌ای ارزشمند برای تاریخ ایران شده است.

مدرس نه یک شخص و نه یک شخصیت بلکه یک فرهنگ است و در عین حال چشمه‌ای زلال از جریان ناشناخته در تاریخ ایران است. مدرس اندیشمندی بزرگ با ویژگی‌های ممتاز بود که در حوزه‌های مختلف علمی تسلط داشت. با وجود این، دو ویژگی عمده او که عبارتند از: خصوصیات شخصیتی از یکسو و ازسوی دیگر کرسی وکالت مجلس از ایشان فردی جامع‌الاطراف ساخته است.

به‌طور کلی خطوط اساسی اندیشه مدرس در سیاست داخلی وظایف و اختیارات حاکم و حکومت اسلامی در دیدگاه او را می‌توان اجمالاً به صورت زیر طبقه‌بندی کرد: ایجاد آسایش و رفاه برای مردم کشور، حفظ مرزهای کشور اسلامی، دریافت مالیات از شهروندان، اجرای عدالت در جامعه، کشور و... همچنین در سیاست خارجی در پنج دوره تقنینیه و سال‌ها شرکت فعال در عمل سیاسی مبتنی است بر رعایت استقلال و تمامیت ارضی کشور، روابط دوطرفه، مصالح ایران و اسلام و موازنه عدمی^۱ اکنون با گذشت حدود هشتاد سال نام شهید مدرس همچنان بر سر زبان‌ها و در اذهان مردم است و سیاستمداران، نخبگان، روحانیون، علما، بزرگان، دانشمندان و رهپویان علم و معرفت همواره از شجاعت، شهامت، صراحت لهجه، ساده‌زیستی، بی‌رغبتی او به دنیا، دانش و سیاست وی سخن گفته و خواهند گفت.

زندگی سیاسی مدرس با ورود ایشان به مجلس آغاز شد. مدرس فعالیت سیاسی خود را در جایگاه یکی از پنج مجتهد طراز اول مجلس دوم آغاز کرد و در مجالس سوم، چهارم و پنجم، بدون نیاز به معرفی علما، مردم وی را به وکالت اول تهران منصوب کردند. دوره چهارم مجلس شورای ملی مصادف بود با ظهور رضاخان در صحنه سیاست ایران. دوره پنجم نیز منتهی به قدرت‌یابی بی‌رقیب او و تغییر سلطنت شد. دوره ششم مجلس را رضاخان افتتاح کرد و مدرس نیز در مقام وکیل اول تهران انتخاب شد و مخالف اول رضاخان در مجلس بود. مجلس در این دوره آکنده از محدودیت و کنترل رضاشاه بود. از دوره هفتم

۱. موضوع موازنه عدمی اولین بار توسط مدرس مطرح شد.

که رضاخان کاملاً بر اوضاع مسلط شد، انتخابات به صورت فرمایشی برگزار شد، مدرس و بسیاری از همفکرانش در لیست سیاه رضاخان قرار گرفتند و به مجلس راه نیافتند، در این دوره عدم انتخاب مدرس موجب شد که او از مصونیت ظاهری هم برخوردار نباشد و رضاخان زمینه تبعید سپس شهادت وی را فراهم کند.

مدرس مسلمانی مجتهد و سیاستمدار بود و به خبرگی سیاسی و اجتماعی خود اعتماد داشت و نیز به رسالت مذهبی و سیاسی خویش به شدت پایبند بود. بنابراین به مقتضای مسلمانی، مخالف بی طرفی و براساس اجتهاد، در استنباط فروع از اصول توانا و با اتکا بر خبرگی سیاسی و اجتماعی خود می توانست فروع را بر موارد و موضوعات تطبیق دهد. یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی مدرس آن بود که، هیچ‌گاه در مسائل طرح شده در مجلس بی طرف نمی ماند و به اصطلاح «رأی ممتنع» نمی داد.

لذا با عنایت به شخصیت آن سیاستمدار دینی، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۷۲ هجری شمسی با تصویب قانون زیر در قالب ماده واحده‌ای روز ۱۰ آذرماه، سالروز شهادت آن بزرگوار را به‌عنوان روز مجلس نامگذاری کرد.

قانون تعیین سالروز شهادت آیت‌الله مدرس به‌عنوان روز مجلس: «ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون روز دهم آذرماه که مصادف با سالروز شهادت مجتهد مجاهد و سیاستمدار متعهد آیت‌الله سیدحسین مدرس است به‌عنوان روز مجلس نامگذاری می‌شود».

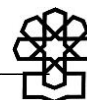
شخصیت و رفتار سیاسی سیدحسین مدرس پیوسته در کانون توجه نمایندگان محترم مجلس بوده و گویی نمایندگان ملت در رفتار سیاسی خویش از وی به‌عنوان الگویی مناسب در قرن حاضر تأثیر می‌پذیرند.

مقدمه

ظهور جنبش مشروطه‌خواهی به‌عنوان حرکتی تفکیک طلب در قوای کشور و بر هم زنده انباشت قدرت در نقاطی مشخص و محدود بود که زمینه‌های دخالت عموم مردم از نگاهی کلان و منتخبان آنها در مجلس شورا را به شکلی خاص در سیاستگذاری کشور فراهم کرد.

مردم ایران در عصر قاجار و پهلوی اول با دو بحران مواجه بودند. یکی استبداد و خودرأیی حکام و دیگری استعمار و دخالت قدرت‌های خارجی بود. لذا ظهور پدیده مجلس با ادعای داشتن حق برتر در تعیین مرجعیت کلان سیاست‌ها در جامعه، بی‌شک می‌توانست در تعارضی پرحرارت با انگیزه‌ها و رویکردهای نظام پادشاهی و منافع قدرت‌های خارجی قرار گیرد. در چنین شرایطی بود که مدرس در مجلس دوم گام به مجلس گذاشت و به‌عنوان یکی از وکلای مردم تا ۵ دوره در این منصب به فعالیت پرداخت.

وی در مجلس دوم به‌عنوان یکی از فقهای طراز اول چنان جایگاهی پیدا کرد که در مجالس سوم، چهارم، پنجم و ششم بدون نیاز به معرفی علما از سوی مردم تهران به وکالت اول تهران منصوب شد.



از تاریخ شهادت ایشان تا امروز درباره شخصیت تاریخی مدرس، آرا و اندیشه‌های او، کتب و مقالات قابل توجهی به نگارش درآمده است. ایشان شخصیتی فراگیر داشت و بسیاری از افکار و اندیشه‌های او حتی در زمان ما هم کاربرد دارد و هنوز در عرصه پژوهشی موضوعات تازه و مهمی در خصوص زندگی، اندیشه‌های سیاسی و حکومتی او وجود دارد.

مجلس دوم در دو سال عمر خود حوادث مهمی را پشت سر گذاشت که یکی از موارد مهم آن هشدار روسیه به ایران بود و مدرس در نطق کوتاهی نمایندگان را به مخالفت با آن تشجیع کرد و این مسئله در نهایت با مخالفت مجلس مواجه شد و روسیه تزاری نتوانست از طریق مجلس به اهداف نامشروع خود برسد.

مدرس در همه مسائل مهم مجلس دوم دست‌اندرکار بود و با نطق‌ها و بحث‌های مختلف در حل مشکلات دولت را کمک می‌کرد. یکی از مهمترین کارهای او علاوه بر مسائل سیاسی وضع اصول و تشکیلات عدلیه بود.

وی پس از تعطیل قهری مجلس دوم در مدرسه عالی مسجد سپهسالار حضور یافت و به تدریس فقه و اصول پرداخت و با محافل سیاسی نیز ارتباط داشت. پس از سه سال فترت، مردم تهران از وی خواستند نمایندگی آنها را بپذیرد که ایشان پس از انتخابات و شمارش آرا وکیل دوم تهران شد.

مجلس سوم یک سال بیشتر دوام نداشت و با مشکلات بسیاری مواجه شد. در سال ۱۲۹۴ (هـ. ش) و با شروع جنگ جهانی با پیشنهاد مدرس و موافقت مجلس قرار شد دولت موقت تشکیل شود تا جدا از دولت مرکزی به اقداماتی در جهت مخالفت بپردازد که در ادامه سیاست مهاجرت وی آغاز شد.

مرحوم مدرس با وجود کثرت شغل‌های سیاسی و علمی هیچ‌گاه از تدریس و نوشتن باز نماند. وی آثار و تألیفات بسیاری داشت که بیشتر آنها در حمله مأموران شهربانی به منزل ایشان به غارت رفت و در دوران تدریس نیز شاگردان بسیاری از درس ایشان بهره بردند. مدرس بجز فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی که گفته شد، در امور سیاسی نیز بسیار فعال و کوشا بود. مبارزه او با وثوق‌الدوله در قرارداد ۱۹۱۹ و در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ (هـ. ش) به وسیله سیدضیاء دستگیر و زندانی شد و پس از سقوط کابینه سیدضیاء (کابینه سیاه) بعد از سه‌ماه آزاد و در دوره چهارم مجلس از طرف مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. مدرس در دوره چهارم مجلس رهبر اکثریت بود و در انتخابات اولین هیئت رئیسه، مدرس و تیمورتاش به نیابت ریاست مجلس انتخاب شدند. دوره پنجم مجلس در بهمن ۱۳۰۲ گشایش یافت و از آغاز این دوره بحث تغییر رژیم از سلطنتی به جمهوری شروع شد. در انتخابات دوره ششم مجلس، مدرس به‌عنوان نماینده اول تهران در مجلس حاضر شد. در آبان ۱۳۰۵ش زمانی که برای تدریس به مدرسه سپهسالار می‌رفت به وسیله عوامل رضاخان ترور و مجروح شد که این ترور بازتاب‌های مهمی در میان مردم، مطبوعات و مجلس داشت. به‌طوری که وکلای مجلس در چند جلسه درخصوص آن بحث کردند.

مدرس دوره ششم مجلس را در جوی آکنده از محدودیت و کنترل گذراند از دوره هفتم که رضاخان کاملاً بر اوضاع مسلط شد، انتخابات به صورت فرمایشی برگزار شد، مدرس و بسیاری از همفکرانش در لیست سیاه رضاخان قرار گرفتند و به مجلس راه نیافتند.

این گزارش در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول: تحولات علمی، سیاسی و اجتماعی مدرس. در فصل دوم: نقش مدرس را در پنج دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی مورد بررسی قرار می‌دهیم و در فصل سوم اندیشه سیاسی مدرس و در فصل چهارم، اندیشه‌های حقوقی و پارلمانی او و در فصل پنجم به دیدگاه برخی از بزرگان در خصوص مدرس پرداخته‌ایم.^۱

فصل اول - تحولات علمی، سیاسی و اجتماعی

مورخان زندگی مدرس را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

دوره اول - این دوره که اتفاقاً طولانی‌ترین دوره زندگی اوست با تحصیل در حوزه علمیه آغاز شد. وی در این دوران بیشتر عمر خود را در نجف و اصفهان گذراند.

دوره دوم - دوره دوم زندگی ایشان با ورود به مجلس آغاز شد و در واقع آغاز حیات سیاسی ایشان است. وی به مدت پنج دوره نمایندگی مردم را در مجلس برعهده داشت.

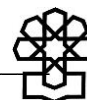
دوره سوم - در این دوره به تدریج وجود و حضور مدرس در عرصه سیاست برای حکومت تحمل‌ناپذیر شد و به همین دلیل، رژیم او را به اتفاق همراهانش از ورود به مجلس دوره هفتم به طور غیررسمی محروم کرد و به ناچار او را به دورترین نقطه ایران تبعید و به شهادت رساند.

الف) تحولات دوران کودکی، تحصیل و استادان مدرس

سیدحسن مدرس در سال ۱۲۴۸ (ه. ش) برابر با ۱۲۸۷ (ه. ق) در قریه سرابه کچو از توابع اردستان دیده به جهان گشود. پدرش سیداسماعیل و جدش میرعبدالباقی از سادات طباطبایی بود. از ۶ سالگی تا چهارده سالگی در قمشه به تحصیل علوم مختلف پرداخت. در سال ۱۲۹۵ (ه. ش). پدربزرگ مدرس، سیدعبدالباقی بیشترین نقش را در تعلیم سیدحسن ایفا و او را در مسیر علم و تقوا هدایت کرد و به هنگام مرگ در ضمن وصیت‌نامه‌ای ایشان را بر ادامه تحصیل علوم دینی تشویق و سفارش کرد، زمانی که سیدعبدالباقی دار فانی را وداع گفت مدرس چهارده ساله بود.

مدرس در سال ۱۲۹۸ ق. به منظور ادامه تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان شد و به مدت ۱۳ سال در حوزه علمیه این شهر محضر بیش از سی استاد را درک کرد. ابتدا به خواندن جامع‌المقدمات در علم

۱. گزارش حاضر آشنایی با اندیشه‌های حکومتی مدرس است که تفصیل آن متعاقباً انتشار خواهد یافت.



صرف و نحو مشغول گردید و مقدمات ادبیات عرب و منطق و بیان را نزد استادانی از جمله عبدالعلی هرنندی که دارای فضایل و سجایای اخلاقی و هوش فراوانی بود، سپری کرد. فقه و اصول، شرح هدایه، شرح منظومه، شوارق‌الالهام و شواهد ربوبیه را نزد استاد دیگر، فاضل ارجمند ملامحمد معروف به آخوند کاشی که جامع معقول و منقول در زمان خود بود فرا گرفت.^۱ یکی از استادانی که دانش حکمت و عرفان و فلسفه را به مدرس آموخت حکیم نامدار میرزا جهانگیرخان قشقایی است که در محضر ایشان علوم معقول را کامل کرد.^۲

مدرس در طول این مدت درس خارج اصول را در حضور آیات عظام سیدمحمد باقر دُرچه‌ای و شیخ مرتضی‌ریزی فرا گرفت.^۳ ایشان چکیده زندگینامه تحصیلی خود را در حوزه علمیه اصفهان در مقدمه شرح رسائل که به زبان عربی نگاشته، آورده است. وی در دوران اقامت خود در اصفهان که با هدف تحصیل صورت می‌گرفت، از میدان سیاست نیز دور نبود. ایشان در این سال‌ها به مقابله با ظل‌السلطان - فرزند ناصرالدین شاه - حاکم اصفهان پرداخت و به دلیل شجاعت و جسارت ذاتی فردی صاحب نام شد.^۴

مدرس پس از اتمام تحصیلات در اصفهان در شعبان ۱۳۱۱ هـ ق. وارد نجف اشرف شد و پس از زیارت بارگاه مقدس امام علی (ع) نخستین فروغ امامت و تشریف به حضور آیت ... میرزای شیرازی در مدرسه منسوب به صدر سکونت اختیار کرد و با عارف نامدار حاج آقا شیخ حسینعلی اصفهانی هم حجره گردید. وی در این شهر از جلسه درس آیات عظام سیدمحمد فشارکی و شریعت اصفهانی بهره برد. پس از رحلت میرزا حسن شیرازی، مدرس مدتی را نیز نزد میرزا محمدتقی شیرازی معروف به میرزای دوم شاگردی کرد، همچنین از محضر دو استاد بزرگ آن عصر آیت ... ملامحمد کاظم خراسانی، نویسنده (کفایه الاصول) و آیت ... سیدمحمد کاظم یزدی فقیه عالی قدر و نویسنده (عروه الوثقی) استفاده کرد و در سن ۳۷ سالگی با تأیید علما و مراجع عصر به درجه اجتهاد رسید. وی با سید ابوالحسن اصفهانی، سیدمحمدصادق طباطبایی و شیخ عبدالکریم حائری، سیدهبه‌الدین شهرستانی و سیدمصطفی کاشانی ارتباط داشت و مباحثه‌های دروس خارج را با آیه ... حاج سیدابوالحسن و آیه ... حاج سیدعلی کازرونی انجام می‌داد. همچنین از سوی علمای بزرگ آن زمان مرجعیت او تأیید و مرجعیت شیعیان هند به ایشان پیشنهاد شد که مدرس به دلیل تمایلی که برای بازگشت به ایران داشت آن را قبول نکرد.^۵

ایشان به هنگام اقامت در نجف روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته به کار می‌پرداخت و درآمد آن را در پنج روز دیگر صرف زندگی خود می‌کرد. پس از هفت سال اقامت در نجف و رسیدن به مقام اجتهاد در سال ۱۳۱۸ ق. در چهل سالگی راهی اصفهان شد.

۱. علی مدرسی، مرد روزگاران، تهران، هزاران، ۱۳۷۴، صص ۴۴ - ۴۵.

۲. عبدالعلی باقی، مدرس، مجاهدی شکست‌ناپذیر، قم، گواه، ۱۳۷۰ ش، صص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۳. علی مدرسی، پیشین، ص ۴۵.

۴. حمیدرضا ملک‌محمدی، مدرس و سیاستگذاری عمومی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴.

۵. علی مدرسی، مدرس، تهران، بنیاد انقلاب اسلامی ایران، جلد اول، ۱۳۷۶، ص ۲۵.

مدرس پس از بازگشت از نجف و اقامت کوتاه در قمشه خصوصاً روستای اسفه و دیدار با فامیل و بستگان، قمشه را به قصد اصفهان ترک و در این شهر اقامت گزید و به تدریس دروس فقه، اصول، منطق، شرح منظومه و نهج‌البلاغه پرداخت. تسلط وی به هنگام تدریس در حدی بود که از این زمان به بعد با عنوان «مدرس» مشهور گشت.

اگرچه از لحاظ علمی و فقهی مجتهدی جامع‌الشرایط، صاحب فتوا و شایسته تقلید بود، اما حاضر به چاپ رساله عملیه خود نشد، در فقه و اصول و سایر علوم دینی آثاری مفصل و عمیق از خود به یادگار گذاشت و آیه... العظمی مرعشی نجفی (ره) تألیفات فقهی او را ستود و افزود که از مدرس اجازه نقل حدیث داشته است.^۱

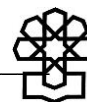
مرحوم مدرس با وجود کثرت شغل‌های سیاسی و علمی هیچ‌گاه از تدریس و نوشتن باز نماند. وی آثار و تألیفات بسیاری داشت که بیشتر آنها در حمله مأموران شهربانی به منزل ایشان به غارت رفت. برخی از آثار ایشان عبارتند از:^۲

آثار و تألیفات

۱. حاشیه بر کفایه آخوند ملاکاظم خراسانی در اصول به زبان عربی
۲. رساله در عقود و ایقاعات (عربی)
۳. رساله در شرط متأخر (عربی)
۴. رساله در لزوم و عدم لزوم قبض در موقوفه (عربی)
۵. کتاب حجیه الظن (عربی)
۶. کتاب در بعض احوال ظن فی اصول الدین (عربی)
۷. کتاب در بحث استصحاب (عربی)
۸. رساله در شرایط امام و مأموم (عربی)
۹. رساله در عقود (فارسی)
۱۰. دوره تقریرات اصول میرزای شیرازی (عربی)
۱۱. شرح ساده بر نهج‌البلاغه (فارسی)
۱۲. کتاب زرد، شرح فعالیت‌های سیاسی (فارسی)
۱۳. خواننامه (فارسی)
۱۴. یادداشت‌های سیاسی (فارسی)

۱. حسین مکی، مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، به نقل از یادنامه مدرس، ص ۱۲۹.

۲. باقی، مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر، پیشین، صص ۳۲۸ - ۳۲۹.



۱۵. رسائل الفقیه به کوشش ابوالفضل شکوری، انتشارات وزارت ارشاد.

بنابر نقل آیت ... مرعشی نجفی، از کتاب‌های مزبور ۴ جلد اول را ایشان شخصاً در منزل مرحوم مدرس دیده‌اند و ۴ جلد بعدی در کتابخانه شخصی ایشان موجود است. ردیف ۱۰، ۱۱ و ۱۲ را مأمورین در هنگام دستگیری و تبعید به غارت بردند و دو کتاب، خوفنامه و یادداشت‌های سیاسی وضع‌شان مشخص نیست که اکنون در کجا قرار دارند.

شاگردان شهید مدرس

در دوران تدریس مدرس، شاگردان بسیاری از درس ایشان بهره بردند که از آن جمله می‌توان به میرزا علی آقای شیرازی، مهدی الهی قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن شعرانی، سیدکمال‌الدین نوربخش دهکردی، شیخ محمدحسین برهان، جلال‌الدین همایی، ابن‌یوسف شیرازی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سیدعلی‌اصغر سدهی، سیدابوالحسن سدهی، صدر کوپایی، شیخ محمود مفید، شیخ محمدباقر الفت، شیخ محمدباقر نجفی، میرزا ولی ... جلیلی، محمد شریعت سنگلجی، سیدمرتضی پسندیده، شیخ علی‌اکبر کلاردشتی، شیخ محمدعلی لواسانی، سیدرضی لاهیجانی، ابن‌الدین آل‌آقا و شیخ‌الاسلام ملایری اشاره کرد.^۱

ب) ورود به مجلس و آغاز حیات سیاسی

شهید بزرگوار در کنار تدریس به مبارزات خود با حاکم وقت اصفهان ادامه داد و پس از غلبه مشروطه‌خواهان انجمن ولایتی در اصفهان تشکیل شد و ایشان به ریاست انجمن انتخاب و به اصلاح امور مردم می‌پرداخت.^۲ مدرس تا سن چهل‌ویک سالگی در حوزه‌های علمیه به کسب معرفت، تهذیب نفس و نشر حقایق اسلامی مشغول بود و مشخص شد شخصیت ممتازی است که در بین همه علمای آن عصر به‌عنوان شخصیت طراز اول انتخاب می‌شود. علت این انتخاب آن بود که به‌موجب فصل دوم از متمم قانون اساسی رسماً مقرر شده بود که برای نظارت بر عدم مغایرت قوانین مصوبه مجلس با موازین شرع پنج مجتهد عادل و آگاه به مقتضیات عصر به‌عنوان وکیل در مجلس حضور یابند. علمای ایران و نجف تصمیم می‌گیرند تا از بین خود بیست نفر را برگزیده و طی جلسات بعدی پنج نفر آنان را به‌عنوان طراز اول به مجلس معرفی کنند عده‌ای مرکب از ۶۸ نفر در جلسه‌های متعدد با هم وارد شور شده و پس از رأی‌گیری بیست نفر را برای مرحله دوم انتخاب کردند. از میان این تعداد، پنج نفر تعیین شدند که به‌عنوان علمای طراز اول در دوره دوم مجلس حضور یابند که یکی از آنان شهید مدرس بود. پس از این انتخاب تلگراف زیر از طرف مجلس خطاب به وی مخابره شد تا در جلسات حضور یابد:

از اصفهان: به توسط انجمن محترم ولایتی خدمت جناب مستطاب مَلَّادُالْأَنَامِ آقامیرزا سیدحسن

۱. علی مدرس و دیگران، مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج ۲، صص ۳۳۱-۳۳۶.

۲. عبدالعلی باقی، مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر، پیشین، ص ۲۹.

مدرس سلمه ... از جمله منتخبین علمای عظام در مجلس شورای ملی وجود محترم آن جناب مستطاب عالی است ان شاء الله ... عاجلاً حرکت فرموده به تهران تشریف بیاورید که عموم ملت از سعادت حضور حضرتعالی بهره‌مند گردند.^۱

بدین‌گونه علمای دین که از ویژگی‌های فکری و علمی مدرس آگاهی داشتند و او را بهترین فردی که با جان و دل از اسلام دفاع نمایند، روشن‌بین و با دقت باشد، یافته بودند او را به مجلس شورا فرستادند تا بر قوانین نظارت کند و آنها را با فقه شیعه و موازین دینی مطابقت دهد و اگر خواست قانونی مخالف امور شرعی تصویب گردد مخالفت کند.

در هر حال اسباب مهاجرت مدرس فراهم گردید و با همان گاری بارکشی که برای جلوگیری از سرمای سخت فصل زمستان سرپوش پارچه‌ای روی آن کشیده بودند از اصفهان به قصد تهران حرکت کرد سرانجام این کاروان کوچک اما با هدفی بزرگ پس از تحمل سختی و مشقت بسیار به حرم حضرت عبدالعظیم (ع) وارد شد و در کوچه باغ سراج‌الملک خانه‌ای برای سکونت اجاره کرد. مردم که از ورود مدرس مطلع شدند وی را به تهران انتقال دادند و آنجا هم ایشان منزل محقری را برای خود در نظر گرفت که اجاره‌بهای نازلی برایش پرداخت می‌کرد.^۲

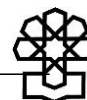
پس از ورود ایشان به تهران در ۲۷ تیرماه ۱۳۰۴ ش. عهده‌دار تولیت مدرسه سپهسالار (شهید مطهری کنونی) شد. ایشان برای اینکه طلاب علوم دینی از اوقات خود استفاده بیشتری کرده و با جدیت افزون‌تری به کار درس و مباحثه بپردازند برای اولین بار طرح امتحان طلاب را به مرحله اجرا درآورد و به‌منظور حسن اداره این مدرسه، نظامنامه‌ای تدوین کرد و امور تحصیلی طلاب را مورد رسیدگی قرار داد. از سوی دیگر برای احیا و آبادانی روستاها و مغازه‌های موقوفه مدرسه زحمات زیادی را تحمل کرد. عصرهای پنجشنبه اغلب در گرمای شدید تابستان به روستاهای اطراف ورامین رفته و خود قنات‌های روستاهای این منطقه را مورد بازدید قرار می‌داد و گاه به داخل چاه‌ها می‌رفت و در تعمیر آنها همکاری می‌کرد.^۳

مدرس اولین کسی بود که تدریس نهج‌البلاغه را در حوزه‌های علمیه رسمی کرد و نخستین مجتهدی بود که این کتاب را جزء متون درسی طلاب قرار داد. در اصفهان و در سنین جوانی کتابی تحقیقی در فقه و اصول نوشت که مقام فقهی او را به ثبوت می‌رساند. از ایشان رساله‌ای در فقه استدلالی به جای مانده است. شخصیتی چون حاج میرزا آقاعلی شیرازی - استاد شهید مطهری - و آیه الله العظمی بروجردی نهج‌البلاغه را نزد شهید مدرس آموختند. از کارهای مهم و درخور توجه این فقیه فرزانه تدوین تفسیری جامع برای قرآن بود که علاوه بر جمع‌آوری تفاسیر خطی و چاپی عده‌ای از دانشمندان را برای نیل بدین مقصود به همکاری دعوت کرده بود. مدرس مدت‌ها فلسفه تدریس می‌کرد و در عرفان مهارت داشت و در

۱. علی مدرس، مدرس طراز اول علماء، مجله مجلس و پژوهش، شماره مسلسل ۵.

۲. علی مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج اول، ص ۳۳.

۳. عبدالعلی باقی، مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر، ص ۳۳.



زندانیان خواف برای عده‌ای از مأموران قلعه‌ای که در آن به سر می‌برد، مثنوی معنوی را تفسیر می‌کرد.^۱

ترور، تبعید و شهادت مدرس

روز ۷ آبان‌ماه ۱۳۰۵ عده‌ای از عمال رضاخان مدرس را ترور کردند، اما وی با اغفال آنها زخمی شد و جان سالم به در برد. چگونگی این توطئه را خواجه نوری به شرح زیر آورده است: موقعی که مدرس سحرخیز، برای درس گفتن به طرف مسجد سپهسالار می‌رفت چند نفر به او حمله کرده و با هفت تیر به او شلیک می‌کنند. مدرس فوری رو به دیوار عبا را با دو دست به طرف سر خود بلند کرد به صورتی که بدنش در پایین عبا قرار گرفت و نتیجه این عمل ماهرانه و عجیب این شد که از شلیک جانینان چند تیر به ساعد و بازو او اصابت کرد و یکی هم به کتفش خورد، رضاخان از مازندران تلگراف تفقدی در احوالپرسی مدرس فرستاد، مدرس در جواب رضاخان نوشته بود به کوری چشم دشمنان، مدرس نمرده است.^۲

پس از ترور مدرس، در اولین جلسه رسمی در تاریخ ۸ آبان‌ماه ۱۳۰۵ و جلسه خصوصی، موضوع ترور مطرح شد و حتی تمام وقت آن جلسه رسمی صرف بحث و مذاکره و اعتراض نمایندگان شد که اگر به مذاکرات این جلسه و جلسات دیگر توجه شود بسیاری از مسائل از لابه‌لای سخنان نمایندگان فهمیده می‌شود که چه دستی در این ترور نقش داشته است.

در جلسه دوم هم در ۱۰ آبان‌ماه ۱۳۰۵ شدیداً به ترور مدرس اعتراض شد و هیئت دولت را خواستند تا درباره سوءقصد توضیح داده و بگویند نتیجه تحقیقات به کجا انجامید.^۳

نخستین نماینده‌ای که درباره سوء قصد سخن گفت حاج آقا اسماعیل عراقی نماینده اراک و یکی از طرفداران مدرس بود به صورتی که در دوره‌های بعد که نماینده مجلس بود به شهربانی احضار و به وسیله‌ای مسموم شد و به محض آنکه به منزل رسید، فوت کرد.^۴

شب ۱۶ مهرماه ۱۳۰۷ (ش) درگاهی رئیس شهربانی با عده بسیاری پاسبان به منزل مدرس ریختند و خانه پر از مأمورین مسلح شد. با ضرب و شتم فراوان و حتی بدون اینکه بگذارند ایشان کفش به پا کند از خانه بیرون بردند و به خواف تبعیدش کردند.^۵

خواجه نوری می‌نویسد: مدرس در حدود نه سال در قلعه خواف زندانی بود و فقط شب‌های جمعه او را به گشت می‌بردند او هم مستقیماً به قبرستان می‌رفت و در حال فاتحه خواندن علائم رمزی روی خاک اطراف قبرها می‌کشید و بعد از خروج او و مأموران، یکی از مریدانش عین علامت‌ها را روی کاغذ

۱. علی مدرس و دیگران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج اول، ص ۲۶۸.

۲. خواجه نوری، بازیگران عصر طلایی (سیدحسن مدرس)، تهران، جاویدان، ۱۳۶۷، صص ۱۵۹ تا ۱۶۱.

۳. مکی، مدرس قهرمان آزادی، ص ۷۳۹.

۴. همان، ص ۷۳۹.

۵. علی مدرس، مرد روزگاران، صص ۳۲۲ تا ۳۲۶.

نقش کرده و برای ملایری می‌فرستاد.^۱

ج) ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله مدرس

مدرس یکی از چهره‌های درخشانی است که ویژگی‌های شخصیتی او نوع نگرش و جهت‌گیری‌هایش، جالب، اصولی، قابل تأمل و الگوبرداری است.^۲ این ویژگی‌ها در زندگی و شخصیت ایشان بسیار فراوان است، اما چون امکان بیان همه آنها وجود ندارد، به برخی از ویژگی‌ها در این قسمت اشاره خواهیم کرد:

روانی‌گفتار

شاهکار کم‌نظیر مدرس در دوران زندگی و فعالیت‌های گوناگونش را می‌توان در گفتار او جستجو کرد. سخنانش در عین سادگی، چنان قدرتمند، پرمحتوا، شیرین و روان بود که مخاطبان را جذب می‌کرد. وقتی در مجلس شورای ملی پشت میز خطابه قرار می‌گرفت، همه مات و مبهوت بیانات او می‌شدند. مدرس آنچنان سخن می‌گفت که نمایندگان بعد از او خود را بی‌نیاز از ارائه مطلبی می‌دیدند. در این زمینه علی مدرس می‌نویسد:

«بیانات مدرس سلیس و روان است و ارتباط موضوعی دارد. ساده بودن و بی‌پیرایگی سخن مدرس آنچنان است که خواننده احساس نمی‌کند که او بر کرسی خطابه و نطق قرار گرفته و آنچنان صمیمی مطلب را ادا می‌نماید که گاه انسان می‌اندیشد در کنار گوینده نشسته است. منطقی محکم و استدلال قوی مدرس در سراسر نطق‌های او روشن و آشکار است، به طوری که تقریباً کلیه سخن‌گویان بعد از او در جلسات مجلس اعتراف نموده‌اند که سخن گفتن بعد از مدرس بی‌اندازه دشوار و کار مشکلی است».^۳

ملک‌الشعراى بهار در این رابطه می‌نویسد:

«حقایق در افکارش بسیار متمرکز بود تا ظاهرسازی و عوام‌فریبی و یکی از اسرار موفقیت‌های او در خطابه نیز همین معنی بود... او در سخنرانی و خطابه در عهد خود هم‌تا نداشت».^۴

بی‌اعتنایی به مال دنیا

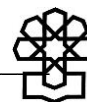
مدرس در مجلس، دربار، نزد نمایندگان مجلس و مسئولین کشور جایگاه ویژه‌ای داشت و همه برای او احترام ویژه قائل بودند و در بسیاری از مشکلات از وی یاری می‌طلبیدند و هیچ‌گاه از این جایگاه و موقعیت استفاده شخصی نکرد و همواره برای رفع مشکلات مردم و جامعه کوشید.

۱. خواجه نوری، بازیگران عصر طلایی، ص ۱۶۴.

۲. عباس رضانی، سیدحسن مدرس، تهران، انتشارات ترفند، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۳. علی مدرس، مدرس، ج ۱، ص ۱۷۲.

۴. مهدی بامداد، شرح حال رجال نامی ایران، ص ۴۰۷.



روح بزرگ مدرس، مناعت طبع و بی‌اعتنایی او به دنیای فانی و زودگذر از او انسانی وارسته و پاک ساخت. همین ویژگی سبب شد تا در اوج قدرت و محبوبیت دست از زندگی ساده و بی‌آلایش خود بر ندارد و بتواند در مسیر حق و حقیقت گام بردارد. همه مورخان دارایی او را پس از شهادت بسیار اندک برشمردند.^۱

شهامت و شجاعت

برخورداری شهید مدرس از این ویژگی، عامل پیروزی او در بسیاری از عرصه‌ها بود. وی تنها در مقابل خدا تواضع می‌کرد و از دیگران واهمه‌ای نداشت. سخن حق خود را از هر تریبونی که لازم بود، بیان می‌کرد. نزد او شاه، وزیر و وکیل با رعیت و فقیر تفاوتی نداشت. مطابق عقیده‌اش و براساس قوانین اسلامی سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. او معتقد بود، «وقتی شجاعت نباشد، عقیده عملی نخواهد شد.^۲ یا اینکه دیرتر به نتیجه می‌رسد». زمانی که همه از رضاخان سردار سپه ترس و وحشت داشتند، شهید مدرس با چند نفر از گروه اقلیت مجلس شورای ملی مانند طوفانی سهمگین در برابر سیاست‌های خصمانه، ضدمیهنی و مردمی او ایستادگی کرد و اگر چه در پایان کار سردار سپه بر ایران مسلط شد و او را نیز به شهادت رساند، ولی سید در تاریخ ایران نام نیکی از خود بر جای گذاشت. گاهی وی یک تنه به مخالفت با رضاخان می‌پرداخت و برای عملی شدن عقیده‌اش، ترس و واهمه‌ای از زندان و تبعید و مرگ نداشت. خودش در سخنانی که در مدرسه چهار باغ اصفهان خطاب به علمای آن شهر ایراد کرده، گفته است:

«اختلاف من با رضاخان بر سر کلاه و عمامه و این مسائل جزئی از قبیل نظام اجباری نیست... من با سیاست‌هایی که آزادی و استقلال ملت ایران و جهان اسلام را تهدید می‌کند، مبارزه می‌کنم، راه و هدف خود را هم می‌شناسم و در این مبارزه هم پشت سر خود را نگاه نمی‌کنم که شما با کسان دیگری همراهی می‌کنید یا نه. لازمه مبارزه در این راه از خودگذشتگی و فداکاری است که شما ندارید».^۳

مورخان درباره شهامت و شجاعت شهید مدرس، نمونه‌های زیادی را در آثار خود ذکر کرده‌اند که نشان می‌دهد او نه تنها در مقابل ظلم و جور حکام و استکبار جهانی و بی‌عدالتی‌های رایج در حکومت، انسان شجاعی بوده، بلکه در جهات دیگر هم با شهامت و شجاع معرفی شده است. شجاعت شهید مدرس ویژگی خاصی بود که در روح و قلب او وجود داشته و تا لحظه شهادت از وی فاصله نگرفته است. ایشان در برابر افکار پست، عقاید منحرف، پایمال شدن حقوق مردم، حیف و میل بیت‌المال مسلمین، آزادی‌های مخرب، کم‌کاری، نادیده گرفته شدن ارزش‌های انسانی و اسلامی و... شجاعانه می‌ایستاد. او با شهامت ابراز عقیده می‌کرد و برای تحقق حق می‌کوشید.

۱. شهید مدرس، ماه مجلس، غلامرضا گلی زواره. پیشین.

۲. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۴، ص ۲۹۶.

۳. علی مدرسی، شهید مدرس، ج ۱، صص ۱۸۱ و ۱۸۲.

مردم‌داری

محور قرار دادن رفاه و آسایش مردم و برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات آنان، جزء اعتقادات اولیه و اساسی شهید مدرس بود. او نه تنها در دوران حضور در مجلس شورای ملی، بلکه قبل از آن نیز در رفتار، کردار، سخنان و کارهای خود مردم را فراموش نمی‌کرد. هنگام تصویب قوانین، مسئله رعایت حق مردم را به نمایندگان توصیه می‌کرد و می‌گفت:

«ما باید قانونی درست کنیم که به درد مردم بخورد و صلاح مردم باشد. وقتی اسباب زحمت مردم باشد، فایده ندارد».^۱ مدرس فقط قانون، قوای نظامی، مجلس و دولت را عامل پیشرفت مملکت، دفاع از آن و موفقیت حکومت نمی‌دانست. او عقیده داشت اگر مردم پشت سر دولت و مجلس نباشند در هیچ کاری پیروزی حاصل نمی‌شود و اگر توفیقی هم به‌دست آید، ماندگار نخواهد بود. وی که قدرت مردم را کارساز تلقی می‌کرد، طی سخنانی در مجلس ششم اظهار داشت:

«قوه ملت است که می‌تواند با هر تهاجمی مقابله کند. مجلس شورای ملی اگر همه وکلایش صاحب عقیده، محکم، اسلامی، سیاسی و وطن‌خواه باشند، در صورتی می‌تواند مقاومت در مقابل دنیا بکند که ملت موافق و پشتیبان وی باشد، پس قوت با توجه به قلوب عامه است. من یعنی همه ملت، من اتکا به همه ملت دارم، چون وسایل و روابطی دارم و چون اطلاع از حالشان دارم، خوب مطلب آنها را تشخیص می‌دهم».^۲ او همیشه از تفاوت سطح زندگی مسئولان و سردمداران حکومت با مردم انتقاد می‌کرد و معتقد بود،^۲ مسئولیت آنان به‌خاطر وجود مردم است، باید شب و روز برای آنها تلاش کرد، تأمین نیازهای مردم اولویت اول را داشته باشد، وسایل آسایش آنان فراهم گردد و برای پیشرفت، سرافرازی و سربلندی آنها چاره‌اندیشی شود. این دیدگاه‌ها درحالی بود که مدرس می‌توانست بهترین زندگی را برای خود و خانواده‌اش فراهم کند، در صورتی که لحظه‌ای این فکر را نکرد و هرگز دنبال زندگی مجلل نبود. او وقتی دخترش بیمار شد، پزشک اعلام کرد، باید در شمیران که از نظر آب و هوا بهتر است، ساکن شود، مدرس گفت:

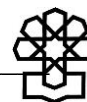
همه فرزندان ایران بچه‌های من هستند. دوست ندارم فرزند من جای خوش آب و هوا باشد ولی بچه‌های مردم از آن بی‌بهره باشند. این طرز تفکر و ایثار و از خودگذشتگی برای مردم سبب شده بود تا آنها نیز او را دوست داشته باشند و احترام کنند. وقتی پس از مدت‌ها از تهران به اصفهان رفت، استقبال با شکوهی از او به‌عمل آمد. رضاخان از استقبال بی‌نظیر و پرشور مردم اصفهان شگفت‌زده شد و وقتی ایشان به تهران بازگشت سراسیمه به دیدار او شتافت و پرسید:

«شنیدم در اصفهان خوش گذشته است؟»

مدرس: بلی، همه جا مردم با علاقه و اشتیاق وافر مرا پذیرفتند. آخر من از خود آنها بوده‌ام، نماینده آنها بوده‌ام. این علاقه جنبه سیاسی ندارد، جنبه دینی و مذهبی است. اما جالب اینجاست که همه جا از

۱. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۴، ص ۳۰۲.

۲. علی مدرس، مدرس، ج ۱، ص ۱۷۹.



شما بد می‌گفتند و از شما متنفر بودند. رضاخان: آقا، برای ما چه سوغات آورده‌ای؟
مدرس: سوغات خوبی برای شما آورده‌ام، می‌ترسم قدر آن را ندانید. سوغات من برای شما این است که
اغلب اجزای دولت، چه در این لباس، چه در آن لباس، به نام شما مردم را می‌چاپند و اذیت می‌کنند. من با
خود گفتم، این مطلب را به شما بگویم تا بدانید و در رفع آن بکوشید. اگر سخن مرا بشنوید که عنوان نصیحت
دارد، بهترین سوغات است برای شما.^۱

ساده‌زیستی

این ویژگی در همه مراحل زندگی شهید مدرس وجود داشت. ساده‌زیستی او تنها به زندگی خانوادگی‌اش
محدود نمی‌شد، بلکه در کار، کلاس درس، ملاقات و دیدار سران حکومت و سفیران کشورهای خارجی هم
ساده‌زیستی را در همه ابعاد آن مورد توجه قرار می‌داد.

با توجه به مطالب مزبور می‌توان گفت، آنچه مدرس را به‌عنوان چهره‌ای برجسته و ممتاز جلوه داده
بود و حتی دشمنان نیز در باطن به حقانیت سخنان او ایمان و اعتقاد داشتند، همین سادگی، ساده‌زیستی،
صداقت و بزرگ‌منشی وی بود. صفات برجسته‌ای که بیگانگان نیز آن را در زندگی و رفتار او دیده بودند.
«دکتر میلیسپو»، کارشناس نفتی وزارت امور خارجه آمریکا در این رابطه می‌نویسد:

«برای پول ارزشی قائل نیست. او در خانه ساده‌ای زندگی می‌کند که جز یک قالیچه، تعدادی کتاب
و یک مسند، چیز دیگری در آن وجود ندارد. لباس روحانیون را می‌پوشد و مردی است فاضل. در ملاقات
با او محال است کسی تحت سادگی هوش و قدرت رهبری او قرار نگیرد».^۲

این زندگی، شیوه‌ای نبود که شهید مدرس در مدت کوتاهی به آن عادت کرده باشد، بلکه این نوع
زندگی در خانواده او و بین نیاکانش نهادینه شده بود. همیشه زمینه برای استفاده آنها از همه پدیده‌ها،
امکانات و لذا لذت دنیا فراهم بود و او می‌توانست با کوچک‌ترین اشاره همه چیز را برای خودش فراهم کند،
اما اهل زندگی مجلل و غذاهای متنوع، خانه‌های بزرگ و مجهز نبود. شهید مدرس در این رابطه می‌گوید:
«پدرم در کودکی به ما آموخت که چگونه در مدت شبانه‌روز به یک وعده خوراک قناعت ورزیم و

پوشاک خود را تمیز نگاه داریم تا در قید تهیه پوشاک نو نباشیم».^۳

ایشان هنگام تدریس در مدرسه جده اصفهان در منزل استیجاری که از شخصی به نام «حاجی محمود
عصار»، گرفته بود و هر سال ۱۲۰ ریال اجاره می‌داد، سکونت داشت تا اینکه کرامت، بزرگ‌منشی، عزت
نفس، صداقت و جوانمردی او، جمعی از شترداران مهیاری و شهر رضایی را به‌صورت داوطلبانه و بدون هیچ
چشمداشتی بر آن داشت تا این اندیشه و نیت را در ذهن و قلب خود بپرورانند که در صورت انجام یک

۱. عبدالعلی باقی، مدرس، مجاهد شکست‌ناپذیر، ص ۷۷.

۲. صدرالدین طاهری، زندگی سیاسی مدرس، تهران، رسا، ۱۳۷۳، ص ۱۳۴.

۳. غلامرضا گلی زواره، شهید مدرس، ماه مجلس، ص ۲۸.

سفر بی‌خطر و بازگشت پیروزمندانه به دیار خود، یک ریال از کرایه هر شتر را جمع کنند و برای مدرس منزلی فراهم کنند. سفر آنان با موفقیت انجام شد و بیش از ۷۰۰/۱ ریال وجه نقد جمع‌آوری شد و با آن خانه کوچکی در اطراف بازار اصفهان و حوالی سرای ساروتقی برای مدرس خریداری کردند. مدرس برای بازسازی خانه دست به کار شد، شخصاً خشت زد و همراه با مصالح ساختمانی مناسب، بخشی از خانه را برای سکونت آماده کرد. آن‌گاه خانواده را از اسفه به اصفهان انتقال داد و مدتی در آن خانه سکونت کردند. مشهور است که حتی وقتی احمد شاه قاجار تولیت مدرسه سپهسالار و مجوز تدریس در آن را به سید داد، او از حق التولیه و حق التدریس مدرسه استفاده نکرد و طرز لباس پوشیدن و زندگی‌اش با قبل از آن تفاوتی نداشت. همان فرش و گلیم، همان کاسه و کوزه، همان کلک و کاسه تنباکو، اسباب زندگی او را تشکیل می‌داد و لباسش همان بود که بود.^۱

زندگی مدرس بسیار ساده و در عین حال زیبا و جذاب بود. او هرگز از موقعیت‌هایی که داشت برای تغییر وضع زندگی‌اش استفاده نکرد. موقعیتی که بسیاری از نمایندگان مجلس شورای ملی که از نظر محبوبیت، موقعیت اجتماعی، توان علمی و دینی در پایین‌ترین سطح قرار داشتند، از نظر ثروت خود را به بالاترین مراتب کشاندند. شهید مدرس با تبعیت از سیره، رفتار و اخلاق معصومین (ع) به زندگی ساده خویش بسنده کرد و به آن هم افتخار می‌کرد. او سلامتی روح و خیر دنیا و آخرت خویش را بر همه ثروت توانگران ترجیح داد.

زندگی ساده مدرس را می‌توان در طول دوران زندگی درک کرد. این سادگی همراه با تواضع و اخلاصی که او داشت، شخصیت و موقعیتش را استثنایی کرده بود. مدرس کسی است که وقتی به‌عنوان یکی از علمای طراز اول برای نظارت بر مصوبات و قوانین مجلس شورای ملی از اصفهان رهسپار تهران شد، با ساده‌ترین وسایل به راه افتاد. در این زمان، «دیده شد که سیدی ضعیف (از نظر جسمی) اسباب‌های ساده و مختصر خود را در یک گاری تک اسبه نهاده، خود هم بر آن مرکب سوار شده و به طرف تهران برای شرکت در مجلس حرکت می‌کند. این مرد عجیب، سیدحسن مدرس بود».^۲

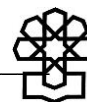
از خودگذشتگی

بها دادن به زندگی دیگران، توجه به مردم مظلوم و ستم‌دیده و به خطر انداختن موقعیت و زندگی خود برای کمک به نیازمندان جامعه سبب شده بود تا شهید مدرس با فداکاری و از خودگذشتگی در راهی قدم بگذارد که نتیجه آن برای هر ایرانی و همه طالبان حق و حقیقت مفید باشد. این ویژگی در کنار سایر خصوصیات او موجب شد تا شخصیت مدرس در طول تاریخ زبان‌زد خاص و عام باشد.

ملک‌الشعراى بهار ضمن بر شمردن چند ویژگی شخصیتی این شهید، از خودگذشتگی وی را

۱. عبدا... مستوفی، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۳، ص ۴۶۵.

۲. همان.



برجسته‌تر از موضوع‌های دیگر می‌داند و می‌نویسد: «در مدرس جنبه فنی، صنعتی و هنری بود که او را ممتاز کرده بود. علاوه بر آنکه از جنبه علمی، تقدس، پاکدامنی، هوش و فکر نیز دست کمی از هیچ کس نداشت و سرآمد تمام این خصال، سادگی بساطت و شهامت آن مرحوم بود و مهم‌تر از همه، از خودگذشتگی و فداکاری او بود که در احدی دیده نشده است»^۱.

متوقع نبودن

بی‌اعتنایی شهید مدرس به پست، مقام و مال دنیا مهمترین عاملی بود که سبب می‌شد فقط خود را نیازمند خدا بداند و از هیچ کس برای تأمین نیازهایش توقعی نداشته باشد، چون بزرگ‌منشی و عزت نفس جزء ذات او بود. در این رابطه خود مدرس گفته است:

«من ده رئیس‌الوزرا و چهل پنجاه وزیر را دیدم و رد کردم اگر هر کدام از اینها در این مجلس مدعی شد که مدرس یک توقعاتی از من کرده است، آن شخص خیلی مرد است. یک کاغذ در هیچ کابینه‌ای ندارم. هیچ تقاضایی از کسی نکرده‌ام»^۲.

ایشان در نامه‌ای به احمد شاه، قانع بودن خویش و نداشتن طمع در زندگی را به او یادآور شده و می‌نویسد: «شهریارا، خداوند دو چیز را به من نداده. یکی ترس و دیگری طمع، هر کس با مصالح ملی و امور مذهبی همراه باشد، من هم با او همراهم، و آلا فلا»^۳.

سیاستمدار

مدرس بدون برنامه و مطالعه به عرصه مسائل مهم داخلی و بین‌المللی قدم نمی‌گذاشت و همواره با تدبیر، سیاست و برنامه درباره این امور اظهار نظر می‌کرد، به حمایت از برنامه‌ای می‌پرداخت یا با موضوعی مخالفت می‌کرد. او سیاست را عاملی برای فریب دیگران نمی‌دانست و علیرغم نگرش بسیاری از سیاستمداران نسبت به این موضوع، از آن برای اصلاح افکار صاحبان قدرت، مردم و نمایندگان مجلس و دولت‌های جهان بهره می‌گرفت. به طوری که درباره او گفته شد: «احساسات را در سیاست دخالت نمی‌داد»^۴.

کار و تلاش

از نحوه فعالیت شهید مدرس در فراگیری دانش و نشر آن بین دیگران مطالبی مطرح گردید. اما کوشش مدرس فقط محدود به مسائل علمی نبود، بلکه او در تربیت فرزندانش، رسیدگی به وضع محرومان،

۱. خاطرات سیاسی رجال ایران، علی جانزاده، ص ۴۰۷.

۲. علی مدرسی، مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۴۳۱.

۳. حمیدرضا ملک محمدی، مدرس و سیاستگذاری عمومی، ص ۱۴۴.

۴. مهدی بامداد، شرح حال رجال نامی ایران، ص ۴۰۷.

دستگیری از بینوایان، حضور و مشارکت در کارهای خیرخواهانه جدی و پرتلاش بود. برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده‌اش، رفع مشکلات مردم، سازندگی و آبادانی کشور از هر فرصت مناسبی برای کار کردن استفاده می‌کرد. معروف است که وقتی به نجف اشرف سفر کرد، روزهای پنج‌شنبه و جمعه کارگری می‌کرد و با دستمزدی که می‌گرفت، امور زندگی‌اش را می‌گذراند. پس از مراجعت از نجف و انتخاب او به‌عنوان یکی از علمای طراز اول، علیرغم مقام علمی و مذهبی بالایی که داشت، دست از کار و کارگری برنداشت و حاضر نشد برای گذران امور زندگی خود از کسی تقاضای کمک کند. وی قبل از فرا رسیدن زمان تدریس در مدرسه جده، از ابتدای صبح در خانه‌های مردم کار می‌کرد و با کشیدن آب حوض منازل، با متانت و عزت‌نفس، سعه‌صدر، بزرگ‌منشی و با افتخار از دسترنج زحمات خویش بهره می‌گرفت و از این نوع زندگی رضایت کامل داشت.

توجه به کارهای عام‌المنفعه

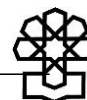
شهید مدرس در کارها و برنامه‌هایی که به نفع عموم مردم بود، نقش مؤثری داشت. او این ویژگی را از نیاکان خود به ارث برده بود و می‌کوشید تا برای رفاه حال و آسایش مردم و به‌ویژه محرومان، خدماتی ارائه دهد. بین این دسته از فعالیت‌ها می‌توان به اختصاص خانه موروثی خودش به حمام عمومی برای اهالی روستا، ترمیم آسیاب ده، معروف به آسیاب شاه، ساخت قنات، ساختن پل روی نهر آب و بناهای مسکونی در اطراف روستا که به قلعه خیرآباد معروف است، کاروانسرا و... اشاره کرد. او نیاز مردم به بیمارستان، آب انبار، حمام و... را از ضرورت‌های اساسی آنان می‌دانست و به هر شکلی که امکان داشت برای ایجاد این امکانات تلاش می‌کرد. ساختن بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری از کارهای ارزشمندی است که فکر شکل‌گیری و تأسیس آن با ابتکار و همت ایشان صورت گرفته است. او یک بار آقای فیروز آبادی و عده‌ای دیگر از رجال سیاسی را به منزل خود دعوت کرد و خطاب به آنان گفت:

«شما به این حقوقی که از مجلس می‌گیری، نیازی نداری. پول آن را جمع کرده و به وسیله آن بیمارستانی درست کنی تا هم نام نیکی از شما باقی بماند و هم مردم از آن بهره‌مند گردند و در حقتان دعای خیر کنند. مدعوین پیشنهاد مدرس را قبول کردند و فیروزآبادی مأمور این کار شد. باغی را در شهر ری از قرار متری یک قیران خرید و عده‌ای خیر نیز به جمع مزبور پیوستند. بخش اول بیمارستان که احداث و آماده گردید، مدرس گفت باید به نام فیروزآبادی نامگذاری شود، زیرا زحمات ساختمان آن به‌عهده وی بود و فیروزآبادی تا پایان عمر در این بیمارستان به خدمت مشغول بود»^۱.

وارستگی و آزادگی

مدرس در زمان نمایندگی مجلس شورای ملی، چه قبل از آن و چه هنگام تدریس مغرور نشد و تکبری

۱. غلامرضا گلی زواره، داستان‌های مدرس، ص ۷۶.



نداشت. به پست و مقام بی‌اعتنایی می‌کرد. افراد مسئول هم برایش ایجاد تکلیف نمی‌کردند و او در برابر آنها نیازی به تواضع و گرنش نداشت. رفتار، منش و کردارش همه را مجذوب خود کرده بود. «با اینکه بد بودند ولی مجلس وقتی مدرس نبود کانه احساس نقص می‌کرد. وقتی مدرس می‌آمد، مثل اینکه یک چیز تازه‌ای واقع شده. این برای چه بود؟ برای اینکه آدمی بود که نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به دارایی و...»^۱

پرهیز از ظاهرسازی و عوام‌فریبی

مشکل عمده‌ای که در بعضی از حکومت‌ها، شخصیت‌ها و دولتمردان ایران قبل از انقلاب اسلامی ایران وجود داشته است، ظاهرسازی آنها در برابر مردم و فریب آنان بوده است. حفظ ظاهر، وعده‌های بی‌نتیجه و بدون عمل و تأمین، مشکلات اساسی و مهمی بوده که مردم از آن ناراضی بوده‌اند و گاهی انتقاد آنان باعث ایجاد بحران‌های جریان‌ساز و آشوب و تشنج در جامعه شده است.

شهید مدرس که به شدت از ظاهرسازی و فریب مردم از سوی سردمداران حکومت قاجار و پس از آن، حکومت رضاخان نگران بود، بیشتر به حقایق توجه می‌کرد. «حقایق در افکارش بیشتر متمرکز بود تا ظاهرسازی و مردم‌فریبی و یکی از اسرار موفقیت‌های او در خطابه نیز همین معنا بود»^۲. او پس از افتتاح کارخانه وطن و به کار افتادن ماشین‌های آن، از قسمت‌های مختلف کارخانه بازدید کرد. شوتمان، مهندس آلمانی توضیحاتی ارائه داد و در پایان از مدرس خواست تا اجازه دهد، مجسمه‌اش را طراحی و نصب کنند. مدرس گفت: «حضرت آقا، مجسمه من خوب است در قلوب مردم باشد و اصولاً پیشوایان مذهبی ما هرگونه تظاهر را منع فرموده‌اند»^۳.

ظلم‌ستیزی

دلیل اصلی مخالفت رضاخان سردار سپه با شهید مدرس، ترس او از مقاومت‌ها، افشاگری‌ها، شجاعت، شهامت، بی‌پروایی و صراحت لهجه مدرس بود. ظلم‌ستیزی، ویژگی بارزی بود که شخصیت‌های مبارز تاریخ اسلام و ایران در دوره‌های گوناگون به دلیل توجه به حقایق دینی و ملی مورد آزار و اذیت سردمداران حکومت‌های جبار قرار گرفتند و در بسیاری از مواقع در این راه از جان خویش گذشتند. مدرس کسی بود که با اختناق و استبداد مبارزه کرد، جلو ظلم رضاخان ایستاد و ایستادگی و مقاومتش به نتیجه رسید. ایشان در این رابطه گفته است: «پدرم همیشه می‌گفت کسی که به افراط در خورد و خوراک عادت نکرده باشد و تنور شکم را دم به دم نتافته باشد، در برابر زور تسلیم نمی‌شود و در برابر زر و مال دنیا، اسیر و وسوسه نمی‌گردد. او اجداد طاهر ما را سرمشق عبرت قرار می‌داد و می‌گفت که حلم و

۱. صدرالدین طاهری، زندگی شهید مدرس، ص ۲۸۹، به نقل از امام خمینی (ره).

۲. حمیدرضا ملک‌محمدی، مدرس و سیاستگذاری عمومی، ص ۱۲۷، به نقل از ملک‌الشعراى بهار.

۳. علی مدرس، مدرس شهید نابغه ملی، ص ۲۶۱.

بردباری را از جدّ بزرگوارمان، رسول... (ص) بیاموزیم، شهامت و قناعت را از جدّ طاهرمان، علی ابن ابیطالب (ع) و تسلیم‌ناپذیری در برابر زور و ستم را از جدّ شهیدمان سیدالشهداء (ع).^۱

دقت و نظم

اگر یکی از دلایلی که باعث موفقیت شهید مدرس و شهرت و آوازه‌اش در تاریخ معاصر ایران شده بود دقت و نظم او در زندگی و کار است. حضور به‌موقع در جلسات مجلس شورای ملی و سایر تعهداتی که داشت، حضور در کلاس درس و تدریس، نماز اول وقت، رسیدگی به امور شخصی، پرداختن به زندگی خانوادگی و... مسائلی بودند که مدرس با دقت کافی و نظم دقیق هر کدام را در زمان و جایگاه خود پیگیری می‌کرد. به نحوی که «اگر کسی به مدت یک سال در انجام کارهای وی دقیق می‌شد، می‌دید در طول این مدت شاید دقیقه‌ای هم برنامه‌های سید عوض نمی‌شد. در بازگشت از نجف وقتی حوزه درس خودش را در مدرسه جده کوچک دایر نمود، این نظم را به خوبی اجرا کرد. اول صبح، ساعت هفت درس فقه را تدریس می‌نمود، رأس ساعت نه صبح به مدت نیم ساعت به حجره خود می‌رفت، از ساعت نه و نیم تا یازده درس اصول را شروع می‌کرد، ساعت یازده تا دوازده به مراجعین اختصاص داشت. معتقد بود که اول ظهر، نماز را به جماعت بر پای دارد و سعی می‌کرد خود امام جماعت نباشد و به فرد دیگری اقتدا کند. آنگاه خانه می‌رفت و ساعت سه بعدازظهر به مدرسه می‌آمد. صبح پنج‌شنبه‌ها هم یک درس اخلاق و نهج‌البلاغه می‌گفت. بعدازظهر پنج‌شنبه و روز جمعه به امور شخصی می‌پرداخت».^۲

دقت او در مصرف اموال بیت‌المال و جلوگیری از حیف و میل آن مسئله دیگری است که نه تنها به شدت در زندگی و کارش به آن توجه می‌کرد، بلکه همه را در جهت دقت در این موضوع توصیه می‌نمود. این ویژگی و نوع عملکرد در مدرسه سپهسالار نیز کاملاً حاکم بود و ایشان همه کارها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه و طلاب را بررسی می‌کرد.

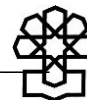
اخلاق و ایمان

دیدگاه‌ها، عملکرد، رفتار و گفتار شهید مدرس ناشی از ایمان و خلوص نیت او بود و همه ویژگی‌هایی که درباره ایشان مطرح شد، اساس آنها در ایمان او به خدا و جهان آخرت بوده است. مدرس در طول زندگی‌اش فردی «سحرخیز، اهل تهجد و نماز شب بود. اول وقت نمازش را می‌خواند. پس از نماز صبح یک جزء قرآن را با آهنگ دل‌نشین تلاوت می‌کرد. نفس گرم، ملایم و لحنی دلپذیر داشت. مقید بود که ظهرها در محل مجلس شورا اقامه نماز جماعت شود».^۳

۱. غلامرضا گلی زواره، شهید مدرس، ماه مجلس، ص ۲۸.

۲. غلامرضا گلی زواره، داستان‌های مدرس، صص ۷۶ و ۷۷.

۳. غلامرضا گلی زواره، شهید مدرس، ماه مجلس، ص ۸۰.



پایبندی مدرس به احکام نورانی اسلام و اعتقاد عمیق قلبی به خداوند متعال، ابعاد روحی او را وسیع کرده بود و در چنین شرایطی جز خدا کسی را نمی‌دید. لذا به دنیا و تعلقات آن وابستگی نداشت.

اراده خلل‌ناپذیر

شهید مدرس در گفتار، رفتار و اقداماتی که به مبانی، اصول دینی و مصالح عمومی جامعه مربوط می‌شد، اراده‌ای قوی داشت. اگر احساس می‌کرد که کاری به نفع مردم و جامعه است یا کسی نیت خیرخواهانه دارد، دست از حمایت او بر نمی‌داشت. همچنین در مقابل نیت‌های پلید، عوام‌فریبی‌ها و ظاهرسازی‌های افراد خشمگین می‌شد و در هیچ شرایطی قادر به تطبیق روحیه خود با این‌گونه افراد نبود. اراده او در برابر رضاخان، اراده خلل‌ناپذیر بود. مدرس بارها تلاش کرد تا با نصیحت‌ها و راهنمایی‌های خود، حس وطن‌دوستی، بیگانه‌ستیزی، ایمان و خدمت به مردم را در وجود رضاخان زنده کند، اما رضاخان تغییری در جهت‌گیری‌های خود به وجود نیاورد.

فصل دوم - مدرس در پنج دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی

مدرس و دوره دوم مجلس شورای ملی

مجلس نخست که از ۱۴ مهرماه ۱۲۸۵ شروع به کار کرده بود در عمر بیست‌ماهه خود به‌عنوان اولین تجربه پارلمانی در تاریخ ایران بسیار مفید و مؤثر بوده است. اما قبل از اتمام قانونی به توپ بسته شد و وکلای ملت یا به شهادت رسیده بودند یا زندانی شدند و بدین طریق اولین دوره مجلس منحل شد.^۱

دوره دوم مجلس شورای ملی پس از فطرت سیزده ماهه در ۲۴ آبان‌ماه ۱۲۸۸ (هـ ش) مطابق (دوم ذی‌القعدة ۱۳۲۷ هـ ق) گشایش یافت. از آنجا که طبق اصل دوم متمم قانون اساسی لازم بود برای مراقبت در عدم مخالفت قوانین موضوعه با احکام شرعیه ۲۰ نفر از مجتهدین عادل و آگاه به مقتضیات زمان به مجلس دوم معرفی شوند و مجلس هم ۵ نفر از آنان را به‌عنوان علمای طراز اول برای نظارت بر قوانین مصوب مجلس انتخاب کند. از این‌رو مدرس از میان ۲۰ نفر علمای طراز اول به قید قرعه انتخاب شد. از این ۵ نفر، حاجی میرزا زین‌العابدین قمی پیش از رسیدن به مجلس فوت کرد، سیدابوالحسن اصفهانی و حاجی میرسیدعلی حائری در مجلس شرکت نکردند و از این تعداد فقط مدرس و امام جمعه خوئی به مجلس وارد شدند.

خبر انتخاب مدرس به وسیله مجلس شورا در تلگرافی به انجمن ایالتی و هیئت علمیه اصفهان مخابره شد و مدرس برای شرکت در جلسات مجلس دعوت شد. تهیه مقدمات سفر مدرس از اصفهان به تهران قدری طول کشید تا اینکه وی در جلسه ۱۹۵ مجلس در مجلس حاضر شد و مراسم تحلیف را

۱. تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران، گروه نویسندگان، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، ص ۳۷.

به جای آورد. شهرت مبارزات مدرس که در راستای احقاق حقوق مردم بود چنان بالا گرفت که در سال ۱۲۸۹ هـ. ش در دوره دوم مجلس شورای ملی از طرف علمای نجف به‌عنوان یکی از علمای طراز اول برای حضور در مجلس انتخاب شد. علت این انتخاب آن بود که به‌موجب فصل دوم از متمم قانون اساسی رسماً مقرر شده بود که برای نظارت بر عدم مغایرت قوانین مصوبه مجلس با موازین شرع پنج مجتهد عادل و آگاه به مقتضیات عصر به‌عنوان وکیل در مجلس حضور یابند.

اولین نطق مدرس در جلسه ۲۰۰ تاریخ ۱۹ محرم‌الحرام ۱۳۲۹ (هـ.ق) چنین آغاز شد:

«اولاً عذر می‌خواهم که صحبت داشتن بنده قدری زود است به واسطه آنکه عاقل تا بصیرت پیدا نکند سزاوار نیست که صحبت کند، لکن الضرورات تبیح المحظورات...»^۱ که با این بیان اصل تعقل و تفکر در حرف و عمل را مطرح کردند. سپس در ادامه می‌گوید: «خوب است در مطلب قانونی مذاقه و تأمل شود برای آنکه جعل قانونی برای یک مملکتی می‌شود».

سپس درباره تصویب سریع مصوبات بدون دقت و تأمل در مواد آن می‌افزاید: «... به بعضی موضوعات اطلاع کامل نداشتن و در عرض پنج دقیقه هی برخاستن و نشستن این طریق وضع قانون مملکت نیست باید اطرافش را تأمل کرد و بی دلیل رأی نداد».^۲

این سخنان بیانگر نگرانی مدرس از نداشتن دقت نمایندگان در تصویب قوانین است. از نمایندگان مجلس در جلسه ۲۰۲ دعوت به اتحاد و احترام به قانون و خدمت به مردم تأکید شده و در قسمتی از سخنان او آمده است:

سیدالقوم خادمهم، رئیس هر قومی باید حافظ آن قوم باشد. از نمایندگان می‌خواهد از تلف کردن وقت مجلس پرهیز کنند و می‌گویند، بنده می‌گویم دقیقه‌اش مقابل تمام دنیا قیمت دارد، به واسطه اینکه در یک دقیقه می‌شود حرفی زد و قانونی وضع کرد، نظم داد و کاری کرد...^۳ مدرس پس از مدت کمی جایگاه مهمی در مجلس و جامعه پیدا کرد. خواجه نوری در این زمینه می‌نویسد:

«خلاصه در آن مدت کم مدرس تمام عوامل قدرت‌سازی و قدرت‌یابی را به‌دست آورد. چون در رژیم مشروطه آن دوره قدرت معنوی فقط در دست سه طبقه بود: اول روحانیون، دوم نمایندگان مجلس، سوم لیدرهای حزب و مدرس هم در مرکز اولی بود و هم در قلب دومی و هم در رأس سومی».^۴

مجلس دوم پس از سقوط محمدعلیشاه زمینه مناسبی برای ظهور احزاب سیاسی فراهم کرد که دو حزب دمکرات «عامیون» و دیگری «اعتدالیون» در آن تشکیل شد.

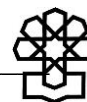
پس از چندی نمایندگان و هواداران این دو حزب به توطئه‌چینی و اقدامات تخریبی علیه هم پرداختند

۱. محمد ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج اول ۱۳۷۲، ص ۶.

۲. همان، ص ۸.

۳. ترکمان، همان، ص ۱۰ - ۱۱.

۴. خواجه نوری، بازیگران عصر طلایی، پیشین، ص ۷.



و در نهایت در مجلس این اختلافات و منازعات از موجبات تضعیف نظام مشروطه شد.^۱ در اواخر دوره دوم مجلس شورای ملی، جنگ اول جهانی آغاز شد. ایران در این نبرد جهانی خود را بی طرف اعلام کرده بود، ولی نیروهای روسی بی توجه به این موضع گیری وارد خاک ایران شدند و تا رشت پیشروی کرده بودند. پس از این تجاوز، دولت روسیه در جایگاه قدرت، چند تقاضا از ایران کرد و تهدید کرد که اگر در مدت ۴۸ ساعت، این درخواستها برآورده نشود، به ایران حمله می کند و پایتخت را به تصرف در می آورد. از جمله درخواستهای شوروی سابق این بود که مورگان شوستر آمریکایی، خزانه دار کل ایران باید از کشور اخراج شود و دولت ایران هزینه نگهداری مناطق اشغالی را قبول و به دولت روسیه بپردازد و آلا تهران را اشغال نظامی خواهد کرد. دولت ایران از این تهدید ترسید و از مجلس خواست تا با این درخواست ظالمانه موافقت کند. در حالی که بیشتر نمایندگان در این ماجرا آشفته و سردرگم شده بودند و جرئت مخالفت نداشتند، مدرس یک تنه با این حرکت قلدرانه روسیه مخالفت کرد. وی در میان بهت و حیرت حاضران می گوید: آقایان اگر مشیت امور بر این قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما به زور از ما سلب شود، سزاوار نیست ما با دست خودمان آن را امضا کنیم، آنگاه با فریاد می گوید: نه ما تسلیم نمی شویم.^۲ سخنان مدرس باعث تشجیع نمایندگان شد و روسیه از طریق وکلا نتوانست به اهداف نامشروع خود برسد.

مدرس و فترت بین دوره دوم و سوم مجلس

از تعطیلی مجلس دوم در سال ۱۲۹۰ ش تا افتتاح مجلس سوم در ۱۲۹۳ ش سه سال طول کشید که این دوران به دوره «فترت سه ساله» معروف شد. در این سه سال ملت ایران سختی ها و مصیبت های فراوانی را متحمل شدند، ظلم و ستم دولت های روسیه و انگلیس در شمال و جنوب افزایش پیدا کرد تا حدی که امکان انتخابات مجلس سوم میسر نشد.

مدرس در این دوران، تدریس خود را در مدرسه سپهسالار (مدرسه شهید مطهری فعلی) ادامه داد و سمت نیابت تولیت مدرسه را برعهده گرفت و برای اولین بار امتحان طلاب را به اجرا درآورد. امروزه مدرس با تلاش های بزرگ سیاسی و مذهبی خود شناخته می شود، در حالی که خدمات قضایی او نباید به فراموشی سپرده شود. مدرس از دوره دوم رئیس کمیسیون عدلیه بود و پس از انحلال مجلس هم این کمیسیون تشکیل می شد. وی به اتفاق مشیرالدوله و امام جمعه خویی موفق شدند قانون تشکیلات

۱. مدرسی می نویسد: «متأسفانه برخی از مورخان، مدرس را از اعضای حزب اعتدال قلمداد نموده اند، ولی مدرس با درایت و تدبیر خاص خود در آن چند جلسه ای که مسئله حزب و معرفی اعضا در مجلس مطرح است در حالی که در کلیه جلسات حضور دارد لب به سخن نمی گشاید که مبدا گروهی از سخنان او به سود خود بهره برداری نمایند». رک: مجلس و پژوهش، سال سوم، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۷۴، صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

۲. عبدالعلی باقی، مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، پیشین، صص ۳۵ و ۳۶.

عدلیه^۱ و محاکم صحیه و جنایی را در دوره تعطیلی مجلس تهیه کنند و در کمیسیون به تصویب برسانند که این دوران از نظر فعالیت‌های علمی، سیاسی و عمرانی از سال‌های پربار زندگی اوست.^۲

البته تا آن زمان برای عدلیه قوانین و مقرراتی به صورت مدون تهیه نشده بود. مدرس در یکی از نطق‌های مهم خود گفته:

به مشیرالدوله (وزیر کابینه محمودلی خان تنکابنی) (سپهسالار) می‌گفتم چرا در وزارت عدلیه حاضر نمی‌شوی و کار خود را به طور جدی آغاز نمی‌کنی؟ پاسخ می‌داد در وزارتخانه‌ای که هیچ‌گونه قانون و مقرراتی ندارد، حضور من (مشیرالدوله) در آنجا چه حاصلی دارد؟ به او گفتم، شما همت کنید قانون برای عدلیه نوشته می‌شود. بالاخره مدرس و امام جمعه خویی و مشیرالدوله کمر همت می‌بندند و به قول خودش (مدرس) شب‌های سرد زمستان در برف و یخ به خانه مشیرالدوله می‌روند و به تدوین و تنظیم دو قسمت مهم از قوانین مورد نیاز وزارت عدلیه را طبق اصول و موازین شرعی می‌نویسند، ابتدا آیین دادرسی مدنی و سپس اصول تشکیلات عدلیه که این اصول شامل سه قسمت موضوعات شرعی، موضوعات عرفیه و موضوعات مشترکه بود که این اصول در مجموع قانون دادرسی مدنی را شامل می‌شد.^۳

البته این نکته نیز ناگفته نماند که مدرس در تمام ادوار نمایندگی همواره عضو و اغلب ریاست کمیسیون قضایی (عدلیه) مجلس شورای ملی را به عهده داشته است.^۴

در این قسمت با ذکر یک مثال از موضع‌گیری او در واقعه‌ای که نشان‌دهنده پختگی سیاسی و خردگرایی و عدم برخورد احساسی با مسائل سیاسی و سرنوشت کشور و مردم آن و طرز تفکر او است را بیان می‌کنیم:

به دنبال حوادث آن سال‌ها و حضور سربازان روسیه تزاری در خاک ایران آخوند خراسانی صاحب کتاب «کفایه‌الاصول» به اتفاق ملا عبدا... مازندرانی حکم تحریم کالاهای روسی را صادر کردند. مسئولین کشور با توجه به موازنه مثبت تجاری ایران و روسیه در نشستی خطرناکی که از رهگذر این حکم متوجه مصالح کشور می‌شود، را برای مدرس و امام جمعه خویی شرح دادند. مدرس و امام جمعه خویی بعد از شنیدن نقطه‌نظرهای کارشناسان و مجتهدین امور اقتصادی، بدون هیچ‌گونه پافشاری غیراصولی و تعلل، در تلگرافی به آخوند خراسانی و مازندرانی توقف حکم مذکور را درخواست کردند.^۵

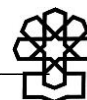
۱. از زمان ناصرالدین شاه نهادی به نام نهاد عدلیه ایجاد شده بود که بعدها به وزارت عدلیه موسوم شد، اما فاقد قانون بود.

۲. مدرس و مجلس (نامه‌ها و اسناد)، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۱.

۳. علی مدرس، مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال دوم، شماره یازدهم، شهریور و مهرماه ۱۳۷۳، صص ۱۶۵-۱۶۶.

۴. علی مدرس، پیشین، ص ۱۶۷.

۵. محمد ترکمان، آراء و اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، تهران، هزاران، ۱۳۷۴، ص ۳۴.



مدرس و دوره سوم مجلس شورای ملی

دوره سوم مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۴ آذرماه ۱۲۹۳ (هش) مطابق با ۱۷ محرم ۱۳۳۳ (هق) با سخنان احمدشاه افتتاح شد و پس از یک سال به پایان رسید، هنوز یک سال از عمر مجلس نگذشته بود که جنگ جهانی اول آغاز شد. دولت روسیه و انگلیس ایران را زیر فشار قرار دادند که به نفع آنها وارد جنگ با آلمان، اتریش، عثمانی (متحدین) شود. اما مستوفی الممالک نخست‌وزیر وقت به این خواسته غیرمشروع تن نداد و بی‌طرفی ایران را اعلان کرد، اما به هر حال آثار جنگ گریبانگیر ایران نیز شد.

حرکت نیروی نظامی روسیه از قزوین به تهران و تلاش دولت برای جلوگیری از اشغال پایتخت باعث شد که عده‌ای از نمایندگان، وزیران و دیگر آزادیخواهان از تهران به قم مهاجرت کنند. از این رو مجلس از کار افتاد و به قول مدرس «جوان مرگ شد» و در ۲۱ آبان‌ماه ۱۲۹۴ تعطیل شد. گروهی که از تهران خارج شده بودند در قم «کمیته دفاع ملی» را تشکیل دادند که نیروهای روسیه به قم حمله کردند و مهاجران از قم به کرمانشاه - که در آن زمان از متصرفات نیروهای عثمانی بود - رفتند و در آن شهر دولتی را به ریاست نظام‌السلطنه مافی به نام «دولت موقت ملی» تشکیل دادند که مدرس در آن کابینه وزیر دادگستری و اوقاف شد.

قشون روس به طرف کرمانشاه حرکت کردند و آنجا را به تصرف خود درآوردند. برخی از مهاجرین به ناچار راه استانبول را در پیش گرفتند و عده‌ای دیگر به عراق رفتند. اقامت مدرس در استانبول و گفتگوهای سیاسی - تاریخی او با پادشاه عثمانی هیئت وزراء، مفتی اعظم و ... از نکات جالب زندگی اوست. او علاوه بر اینکه عهده‌دار دو وزارت، عدلیه و اوقاف بود سمت مهاجرین را هم به عهده داشته است.

به هر حال مدرس بعد از دو سال از استانبول به تهران مراجعت کرد و مانند گذشته مشغول تدریس در مسجد سپهسالار شد و در امور سیاسی هم مداخله مؤثر و قاطع داشت. باقی در فواید این مهاجرت می‌نویسد: این سفر فواید زیادی در برداشت دولت عثمانی قسمت‌های مورد تجاوز و تصرف خود را در ایران تخلیه کرد.^۱

دوره سوم مجلس اگر چه مدت زیادی دوام نداشت؛ اما مدرس در این دوره در امر تدریس و شرکت در جلسات تهیه و تنظیم قانون مجازات، لوایح و قوانین مطروحه مجلس حضور فعال داشته و با بیان آرا و افکار خود و دفاع از قانون و منزلت آن و حقوق مردم و کشور و دفاع از افزایش عایدات و ... تلاش و فداکاری بسیاری انجام داده است.

مدرس نمایندگان را در مرحله تدوین قانون، به دقت و مشاوره و تأمل و همچنین اجرای آن نیز توجه داده که از جمله آنها در جلسه ۶۸ پس از اشاره به قانون مجازات و رنج‌های فراوانی که برای تدوین

۱. عبدالعلی باقی، مدرس، مجاهدی شکست‌ناپذیر، ص ۴۲.

آن تحمل شده است می‌گوید:

افسوس بعد از آنکه این قانون به مرحله اجرا رسید خوب انجام نشد چه زحماتی به مردم وارد شد... باید دید یک قانون که از مجلس خارج می‌شود ... خوب اجرا شود که لطمه‌ای به مجلس شورای ملی وارد نیاید.^۱

یکی از حوزه‌های مهمی که مدرس درباره آن تأکید داشت، مجموعه‌ای از مسائل درباره علم و دانش و آموزش علوم قدیم و جدید است.

به‌عنوان مثال یک نمونه از اندیشه‌های او درباره علم تاریخ بیان می‌شود:

مدرس در نجف و زمانی که درسی به نام تاریخ در فهرست برنامه‌های آموزشی آنها وجود نداشت از استادان می‌خواهد تا این درس را یکی از دروس حوزه‌های علمیه قرار دهند که با مخالفت آنها روبرو می‌شود، او عقیده داشت:

«جریان‌هایی که در گوشه و کنار جهان اسلام رخ می‌دهد بسان دانه‌های زنجیر به هم پیوسته‌اند، گاه پدیده‌ای که در منطقه رخ می‌دهد اما ریشه در جایی دیگر دارد، تاریخ‌نویسان ما باید برای همه امکانات را داشته باشند که کوله پشتی خود را بردارند و در تمام دنیا بگردند و ملل موفق و ناموفق را مورد مطالعه قرار دهند نقاط ضعف و قوت آنان را دریابند و بیاورند و با وضع ملت خودشان مقایسه کنند و بگویند و بنویسند... یک حادثه امروز ریشه در ده‌ها سال قبل دارد و یک اتفاق فردا، محصول جریاناتی از امروز است...»^۲

مدرس در دوره سوم مجلس درباره علوم و فنون می‌گوید:

«... مکرر بنده این مطلب را عرض کردم که تمام علوم و فنونی که به سوی مملکت جلب می‌شود باید به لسان اهل آن مملکت ترجمه شود تا عمومیت پیدا نکند ... این مملکت تا دارالترجمه پیدا نکند ... تا علوم و صناعی که محل احتیاج مملکت است به لسان اهل مملکت ترجمه نشوند، رفع احتیاجات نمی‌شود، بلکه مالیه مملکت اخلاق و ادبیات مملکت می‌رود، عاقبت هم چیزی به دست نمی‌آید».^۳

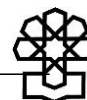
مدرس و فترت بین دوره سوم و چهارم مجلس

از زمان تعطیلی مجلس سوم در سال ۱۲۹۳ هـ.ش تا افتتاح مجلس در سال ۱۳۰۰ حدود هفت سال طول کشید. با وقوع انقلاب و تغییر رژیم روسیه در سال ۱۹۱۷ م. انگلیس در غیاب رقیب دیرینه خود در ایران با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ با وثوق الدوله (نخست‌وزیر وقت و عاقد قرارداد) درصدد بود منافع سیاسی، اقتصادی خود را فراهم کند و اداره مربوط به دارایی و ارتش ایران را به مأموران و کارشناسان و فرماندهان

۱. ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، ص ۱۷۶.

۲. ملک محمدی، مدرس و سیاستگذاری عمومی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۴-۱۷۵.

۳. ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج اول، ص ۸۴.



انگلیس بسپارد.

و ثوق الدوله می خواست از طریق نمایندگی که در انتخاب آنها دخالت مستقیم داشت قرارداد بالا را به تصویب مجلس برساند، اما مخالفت مردم و مدرس و قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، مانع موفقیت او در این کار و سرانجام باعث سقوط کابینه او شد. مدرس در یکی از نطق‌های تاریخی خود، ضمن تشریح مسائل سیاسی جهان و ایران با اشاره به قرارداد ۱۹۱۹ می‌گوید:

«و ثوق الدوله خواست ایران را رنگ بدهد، اظهار تمایل به دولت انگلیس کرد، ملت علیه او قیام نمود، حال هر کسی تمایلی به سیاستی نمود، ما یعنی، ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود چه رنگ شمال (روسیه) چه رنگ جنوب (انگلیس) و چه رنگ آخر دنیا (آمریکا)»^۱. مدرس در این نطق در حقیقت مکتب مکتب سیاسی نه شرقی و نه غربی را بنیان می‌نهد و استقلال، آزادی و عدم هرگونه وابستگی به ابرقدرت‌ها را عنوان می‌کند.

شکست قرارداد ۱۹۱۹ در واقع، شکست سیاست انگلیس در ایران بود؛ در این زمان که انقلاب کمونیستی روسیه در سال ۱۹۱۷ و اتمام جنگ جهانی اول در سال (۱۹۱۸ م) شرایط سختی را برای انگلیس در ایران به وجود آورد، دولت روسیه یکی از بنیان‌های سیاست رژیم خود را اصل عدم مداخله در کشورهای دیگر قرار داده بود، از این رو انگلیس هم تصمیم گرفت با تغییر سیاست خود به صورت غیرمستقیم، نهایت مداخله را در ایران داشته باشد.

مظهر این سیاست، نفوذ نامرئی^۲ رضاخان بود که در زیر عنوان تجدد و ترقی خواهی و حکومت ملی ابزار اجرای آن سیاست شد.^۳

رضاخان به کمک آبرون ساید فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در سوم اسفندماه ۱۲۹۹ ش کودتای نظامی کرد و با ورود به تهران پایتخت را به اشغال خود درآورد و احمدشاه هم تحت فشار انگلیسی‌ها به ناچار سید ضیاءالدین طباطبایی را به نخست‌وزیری انتخاب کرد.

سید ضیاء بلافاصله پس از کودتا شخصیت‌هایی چون مدرس، مصدق و بسیاری دیگر از مخالفین را دستگیر کرد و به زندان انداخت. مدتی بعد بر اثر درگیری میان رضاخان و سیدضیاء وی از نخست‌وزیری کنار رفت و راهی اروپا شد. در این موقعیت تمام زندانیان و از جمله مدرس پس از سه ماه از زندان آزاد شدند و به تهران بازگشتند.

۱. علی مدرس، مدرس، پیشین، ص ۵.

۲. Penetration Incisible

۲. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۴، جلد دوم، صص ۱۱ تا ۱۴.

مدرس و دوره چهارم مجلس شورای ملی

همان‌طور که گفته شد در مدت فترت، کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ صورت گرفت و رضاخان دومین گام را برای رسیدن به حکومت با در اختیار گرفتن وزارت جنگ برداشت.

مجلس چهارم در اول تیر ۱۳۰۰ ش برابر ۱۳۳۹ ق. کار خود را آغاز کرد و میرزا حسین‌خان پیرنیا (مؤتمن‌الملک) ریاست مجلس را برعهده داشت، در اجلاسیه دوم، سوم و چهارم مجلس، مدرس به‌عنوان نایب اول رئیس مجلس انتخاب و در تاریخ ایران خدمات با ارزشی انجام داد، وی علاوه بر آن رهبر اکثریت مجلس نیز بود. با شروع اولین جلسات مجلس، مدرس با تمام قوا با تصویب اعتبارنامه‌های نمایندگی که با قرارداد ۱۹۱۹ موافقت نشان داده بودند به مخالفت برخاست.^۱

سردار سپه با اقدامات خشونت‌آمیز خود و بدون مجوز قانونی جرایم را توقیف و به حبس، شکنجه و تبعید مخالفان می‌پرداخت، مدرس در جلسه ۱۲ میزان ۱۳۰۱ در نطقی رضاخان (سردار سپه وزیر جنگ) را به شدت مورد حمله قرار داد.

مدرس در این جلسه می‌گوید: «چرا در پس پرده حرف می‌زنید؟ مگر شما ضعف دارید؟ چرا حرف نمی‌زنید؟ ... مگر می‌ترسید؟»

ما که از رضاخان ترسی نداریم، چرا حرف خودمان را در پرده بگوییم؟ باید بدون ترس و بی‌پرده گفت، ما که قدرت داریم سلطنت را تغییر دهیم، قدرت داریم رئیس‌الوزرا را عزل کنیم، رضاخان را هم تغییر می‌دهیم ... آقایانی که در اینجا نشسته‌اند به منزله سی‌کرور نفوس هستند و همه‌گونه قدرت دارند، عزل کنند، نصب کنند ... معروف است که دعای چند نفر مستجاب نمی‌شود، یک شخصی که در حق نوکرش نفرین کند، خوب بیرونش کند، دیگر نفرین چرا؟^۲

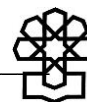
اولین حمله مدرس به سردار سپه وزیر جنگ، در همین مجلس چهارم آغاز شد.^۳ عنوان این مطلب در مجلس و انتشار آن در میان مردم در شهر غوغا بپا کرد و توده ملت را به هیجان و شورش وا داشت، سردار سپه که به وحشت افتاده بود افسران قزاق را احضار و اعلان کرد تصمیم به استعفا دارد و پیرو آن در نظم شهر به اخلاص پرداخت و به وسیله عوامل خود مخفیانه شهر را به هرج و مرج کشاند و امنیت را برهم زد.

از طرفی روزنامه‌ها و از جمله طوفان که مدیر آن فرخی، از آزادیخواهان به نام خود مقالات تندی مبنی بر قانون‌شکنی و بی‌عدالتی‌ها منتشر کرد و نسبت به اعمال وزیر جنگ به شدت انتقاد کردند که به دنبال این اعتراض‌ها سردار سپه به مجلس آمد و در جلسه رسمی خود را مطیع مجلس دانست و

۱. علی مدرس، مرد روزگاران، پیشین، صص ۹۵ - ۹۶.

۲. ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، پیشین، صص ۳۲۷ تا ۳۲۹.

۳. باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظام معاصر ایران، تهران، نشر گفتار، نشر علم، جلد سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷۹.



حکومت نظامی را لغو کرد.^۱

مدرس و استیضاح کابینه مستوفی الممالک

مستوفی و مدرس دو شخصیت محبوب و دو عنصر پاکدامن، وطن پرست که در اوج شهرت و محبوبیت بودند، بنابراین به عوام فریبی هم نیاز نداشتند، اما چه مسئله‌ای موجب شد که مدرس وی را استیضاح کند، این مسئله یکی از مسائل مهم تاریخ معاصر ایران است که موجب اظهار نظرهای مختلفی شده است. پاسخ به این سؤال نیاز به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی جهان و ایران در آن دوره و تحلیل شخصیت مستوفی دارد.^۲

مدرسی پس از تحلیل اوضاع سیاسی، اجتماعی ایران و جهان و تحلیل شخصیت مستوفی در علل مخالفت مدرس با کابینه مستوفی جنبه‌های گوناگون را نام می‌برد که عبارتند از:

(الف) روی کار آوردن دولت مقتدر که بتواند به اوضاع نابسامان مملکت نظم بخشد و ... ،

(ب) مدرس می‌دانست که نیروهای سلطه‌گر خارجی به کمک رضاخان قصد به دست گرفتن قدرت سیاسی کشور را دارند، از این رو باید رضاخان را محدود کرد و در کنترل مجلس و دولت قرار داد،

(ج) بنا به سخنان مدرس، مستوفی شمشیر مرصع است و به درد دوران جنگ نمی‌خورد،

(د) مدرس، دولت مستوفی و برنامه‌ریزی آن را ناقص و ناپخته می‌دانست که هیچ راهبرد علمی نداشت.^۳

البته بحث درباره مسئله استیضاح بسیار است، اما به‌طور خلاصه آنچه در مجلس گذشت متن تاریخ است و آنچه بعداً برخی از مورخان و روزنامه‌نگاران مطلب نوشتند حاشیه است، بنابراین با مراجعه به متن صورتجلسه ۱۳ حوت ۱۳۰۱ هـ ش (۱۶ رجب ۱۳۴۱ هـ ق) مطلب بالا را پیگیری می‌کنیم.

مدرس علت مخالفت با کابینه مستوفی را به‌صورت کلی بیان می‌کند:

«ما رجالی داریم همه خوبند، بعضی شمشیر جوهردار هستند، برای یک موقعی خوب هستند و بعضی شمشیر برنده هستند برای موقع دیگر خوب هستند و بعضی مرصع».^۴

مدرس در ادامه می‌گوید «طرف مذاکره سیاست است نه شخص مقدس با نیت مقدسه ... احوال رجال این مملکت بر همه معلوم است و هر کس عیبی در شخص آقای رئیس‌الوزرا تصور کند مثل این است که اهل این مملکت نباشد».^۵

۱. مدرسی، مرد روزگاران، پیشین، صص ۱۰۱ - ۱۰۲.
۲. همان، صص ۱۰۲ تا ۱۰۶.
۳. همان، ص ۱۰۶.
۴. ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۳۹۱.
۵. همان، ص ۳۹۱.

به هر حال چندماه از کار دولت مستوفی گذشت و او عملاً نتوانست کاری از پیش ببرد تا اینکه مخالفین کابینه او در درون و بیرون مجلس بیشتر شد؛ حتی تدین که در گذشته از موافقان دولت و از مخالفین استیضاح بود به مرور زمان، خود یکی از مخالفین کابینه شد، البته تدین و همفکرانش در مجلس به‌دنبال رئیس‌الوزرای سردار سپه بودند، ولی مدرس به‌دنبال رئیس‌الوزرای قوام‌السلطنه بود تا اینکه مدرس در ۱۹ جوزای ۱۳۰۲ هـ.ش (۲۱ شوال ۱۳۴۱ هـ.ق) استیضاح و رویه دولت در سیاست خارجی را قرائت کرد.

مدرسی می‌نویسد: «نطق مدرس در این مورد دربردارنده فلسفه سیاسی موازنه عدمی و وجودی است که برای اولین بار در طول تاریخ ارائه شده و مکتب سیاسی جدیدی گشوده گردید».^۱ بعد از اظهارات مدرس و جواب‌های فروغی وزیر خارجه و مستوفی‌الممالک به استیضاح، مستوفی تبرئه شد، ولی از ریاست دولت استعفا کرد.^۲

مکی می‌نویسد: اساساً مدرس تقصیری را از طرف کابینه نمی‌دانست که دفاعی لازم داشته باشد؛ بلکه می‌خواست بگوید مستوفی‌الممالک در این زمان، کوتاه و نارساست و این جمله را که «استعداد منعی کم است و قصور است نه تقصیر» تلویحاً فهمانده بود.^۳

با استعفای مستوفی، احمدشاه، فرمان نخست‌وزیری را به نام مشیرالدوله (حسن پیرنیا) صادر کرد، مدرس و یارانش نسبت به نخست‌وزیری مشیرالدوله که مردی لایق و در وطن‌پرستی و وجاهت ملی بسیار مشهور بود موافق بودند، از این‌رو مدرس در آخرین جلسه مجلس در تاریخ ۲۳ جوزای ۱۳۰۲ تشکیل شد. سه مسئله را به رئیس‌الوزرا هشدار داد: یکی بی‌طرفی ایشان در انتخابات، بی‌طرفی ایشان در سیاست خارجه و تسریع در افتتاح دوره پنجم مجلس.^۴

در دورانی که مشیرالدوله نخست‌وزیر بود، رضاخان قوام‌السلطنه را توقیف و سپس به اروپا تبعید کرد. از طرفی برخی از امرای لشکر سردار سپه، رئیس‌الوزرا و برخی از وزرای کابینه او را تهدید می‌کردند که سرانجام بر اثر فشارهای وارده بر کابینه، مشیرالدوله در ۳۰ خردادماه ۱۳۰۲ استعفا می‌دهند و احمدشاه هم برخلاف میل باطنی و اراده خویش، بر اثر فشارهای سفارت انگلیس ناگزیر شد که فرمان نخست‌وزیری سردار سپه را در سوم تیرماه ۱۳۰۲ هـ.ش. برابر با ۲۷ اکتبر ۱۹۲۳ صادر و او را مأمور تشکیل کابینه کند و خود به‌طور موقت به اروپا عزیمت کرد.^۵

مدرس و دوره پنجم مجلس شورای ملی

دوره پنجم مجلس شورای ملی با نطق محمدحسن میرزا ولیعهد در بهمن‌ماه ۱۳۰۲ هـ.ش برابر با رجب

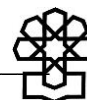
۱. علی مدرس، مدرس، پیشین، ص ۵۲.

۲. مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، پیشین، صص ۲۸۰ تا ۳۰۸.

۳. همان، ص ۳۲۳.

۴. مدرس، مرد روزگاران، پیشین، صص ۱۲۷-۱۲۸.

۵. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ص ۳۷۷.



۱۳۴۲ (هق) افتتاح شد، قانونگذاری و تأثیری که نحوه فعالیت نمایندگان این دوره از مجلس در تاریخ ایران باقی گذاشت نسبت به سایر ادوار مجلس شایان توجه و بررسی عمیق است.

فعالیت نمایندگان اقلیت و اکثریت این دوره و واکنش آن در برابر حوادث و وقایعی که طبق طرح و نقشه صورت می‌گرفت تأثیر مهمی در تغییر مسیر حکومت ایران و جریان‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آینده کشور گذاشت.^۱

اکثریت مجلس در این دوره نمایندگان ائتلافی فراکسیون تجدد، حدود (۴۰ تن) به رهبری سیدمحمد تدین و فراکسیون سوسیالیست‌ها به رهبری سلیمان میرزا حدود (۱۴ نفر) در اختیار داشتند و در برابر اکثریت، اقلیت قرار داشت که به رهبری مدرس اداره می‌شد.

جمهوری رضاخان

در تاریخ ۳۰ حوت ۱۳۰۲ جلسه هفتم تشکیل شد، طرحی از طرف فراکسیون تجدد و سوسیالیست‌ها که همه از رضاخان طرفداری می‌کردند آماده شدند که اراده رضاخان را برای جمهوری به تصویب برسانند. از طرف دیگر عنوان جمهوری برای مردم ایران که ظلم و ستم شاهان قاجار را دیده بودند چشمگیر و امیدبخش بود. رضاخان که از مدت‌ها قبل با در اختیار داشتن بیشتر روزنامه‌ها و اکثریت مجلس، مقدمات جمهوری را آماده کرده بود مطمئن بود به زودی این مسئله در مجلس مطرح و تصویب خواهد شد. از این رو هفتمین جلسه دوره پنجم در تاریخ ۳۰ حوت ۱۳۰۲ تشکیل شد و طرحی مشتمل بر سه ماده به شرح زیر تقدیم مجلس شورای ملی شد.

مقام رفیع مجلس شورای ملی: نظر به تلگراف عدیده که از تمام ایالات و ولایات و تمام طبقات مملکت در مخالفت با سلسله سلاطین قاجاریه و رأی به انقراض سلطنت خانواده مذکور رسیده و با توجه به اینکه تقریباً در تمام تلگراف واصله اظهار تمایل به جمهوریت شده و صراحتاً اختیار تغییر رژیم را به مجلس شورا داده‌اند و چون قانوناً این تلگراف برای تغییر رژیم کافی نیست؛ ما امضاکنندگان ۳ ماده ذیل را به مجلس شورای ملی به قید دو فوریت پیشنهاد می‌کنیم که به رأی گذاشته شود.

ماده اول - تبدیل رژیم مشروطیت به جمهوریت.

ماده دوم - اعتبار دادن به وکلای دوره پنجم که در مواد قانون اساسی موافق مصالح مملکت و رژیم، تجدیدنظر نمایند.

ماده سوم - پس از معلوم شدن نتیجه آرای عمومی، تغییر رژیم به وسیله مجلس شورای ملی اعلام گردد.^۲

مدرس و طرفداران اندک او، با جمهوری پیشنهادی مخالف بودند. مدرس در ابتدا با مخالفت مکرر

۱. یونس مروارید، ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت، تهران، اوحدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۱۲.

۲. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه هفتم، تاریخ ۳۰ حوت ۱۳۰۲.

و همچنین با اعتبارنامه‌های وکلا، دوره پنجم را وسیله‌ای قرار داد برای گذراندن زمان، تا روحیه قوی و تهاجمی نمایندگان طرفدار رضاخان ضعیف شود، سپس تعطیلات مجلس نیز فرصتی برای تهیه نیرو و تدابیر لازم خواهد بود.^۱

نقشه مدرس اتفاقاً گرفت و کم‌کم قوای مدرس ازسوی بازار و برخی از روحانیون فراهم شد و در چند نوبت تظاهرات، نیروی بزرگی علیه جمهوری رضاخانی بسیج شدند. به طوری که طرفداران رضاخان در مجلس به وحشت افتادند و رضاخان را به مجلس دعوت کردند.^۲

علل مخالفت مدرس با جمهوری رضاخانی

یکی از سؤالات اساسی و عمده‌ای که درباره زندگی مدرس وجود دارد، انگیزه اصلی او در مخالفت با جمهوری است.

طاهری در این زمینه می‌نویسد: مدرس به حقیقت جمهوری پیشنهادی اعتقادی نداشت و آن را بهانه‌ای برای تأمین مقاصد خاص رضاخان در کسب قدرت مطلقه و هموار شدن دیکتاتوری می‌دانست.^۳ وی در ادامه می‌نویسد: اغلب مورخان و حتی روشنفکران آزادیخواه آن روز مثل عشقی^۴ پیروزی مدرس را بر حق و جمهوری پیشنهادی را نوعی عوام‌فریبی برای مقاصد ویژه دانسته و بدین طریق موضع سیاسی ایشان و پیروان معدودش را بر آن اکثریت پرهیاهو ترجیح داده‌اند.^۵

رویارویی مدرس و رضاشاه در ماجرای جمهوریت است. رضاشاه قصد داشت به تقلید از آتاتورک رژیم سلطنتی ایران را به جمهوری تبدیل کند و مدرس مخالف قاطع بود. مدرس در پاسخ به ایراداتی که درباره مخالفتش با رژیم جمهوری می‌شد، می‌گوید:

من با جمهوری واقعی مخالف نیستم و حکومت صدر اسلام هم تقریباً و بلکه تحقیقاً حکومت جمهوری بوده است، ولی این جمهوری که می‌خواهند به ما تحمیل کنند بنا بر اراده ملت نیست، بلکه انگلیسی‌ها می‌خواهند به ملت ایران تحمیل نمایند و رژیم حکومتی را که ۱۰۰ درصد دست نشانده و تحت اراده خود باشد در ایران برقرار کنند و از همه مهم‌تر به واسطه مخالفت احمدشاه با قرارداد و خواسته‌های انگلیسی‌ها می‌خواهند از او انتقام بگیرند. اگر واقعاً نامزد و کاندیدای جمهوری فردی آزادیخواه و ملی بود، حتماً با او موافقت می‌کردم و از هیچ نوع کمک و مساعدت با او دریغ نمی‌نمودم.^۶

۱. سیدصدرالدین طاهری، پیشین، صص ۳۷۷-۳۷۸.

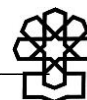
۲. همان، ص ۳۷۸.

۳. همان، ص ۳۷۹.

۴. مکی هم می‌گوید: عشقی با جمهوری که سردار سپه و اطرافیان او می‌خواستند تشکیل دهند مخالف بود، عشقی در دوره چهارم با اکثریت مجلس و با رهبر آن مدرس مخالف بود ولی برعکس در دوره پنجم با مدرس و طرفدارانش خیلی نزدیک شد و نسبت به مخالفین آنها کاملاً مخالفت می‌ورزید. ر.ک: حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۳، ص ۵۵.

۵. طاهری، همان، ص ۳۷۹.

۶. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، پیشین، ج ۲، ص ۵۰۰.



مکی در بیان علت مخالفت مدرس با جمهوری می‌نویسد:

«من موافق جمهوری واقعی هستم و حکومت صدر اسلام هم جمهوری بوده است منتهی برای مادام‌الحيات خلیفه. ولی جمهوری رضاخان که عامل انگلیس است جمهوری واقعی نبوده. به‌علاوه رضاخان را که رئیس‌الوزراء بوده حتی نتوانستیم در مجلس استیضاح کنیم، پس از یک دوره ریاست جمهوری که پشتیبانی هم مانند انگلیس داشت چه طور می‌توانستیم او را کنار بگذاریم؟ رضاخان تابع نظر خارجی می‌شد و هر چه آنها اراده می‌کردند بدون چون و چرا انجام می‌داد تا دوره بعد هم او را به کرسی ریاست بنشانند»^۱.

مکی در ادامه می‌نویسد: در ابتدای امر قرار بود سلطنت انتخابی باشد، ولی پس از تشکیل مجلس مؤسسان رضاخان به قول و قرار خود عمل نکرد و سلطنت را در خانواده خود موروثی کرد و مجلس مؤسسان هم جرئت نکرد به او بگوید سلطنت مادام‌الحيات منحصر به توست و پس از تو انتخابی است.^۲

استیضاح رضاخان

در جلسه ۴۲ مورخ ۷ مردادماه ۱۳۰۳ استیضاح تاریخی مدرس و ۶ نفر اقلیت از رضاخان در واقع عکس‌العمل تنگناهایی است که عمال دولت در پناه اکثریت مجلس، نسبت به مدرس و یارانش در مجلس و طرفداران آنها در خارج از مجلس اعمال کرده بودند، در این جلسه استیضاح به شرح زیر قرائت شد:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

اینجانبان راجع به موارد ذیل از آقای رئیس‌الوزراء استیضاح می‌نماییم:

۱. سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه،

۲. قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی،

۳. تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.

حائری‌زاده، عراقی، کازرونی، مدرس، اخگر، ملک‌الشعرا، سیدحسن زعیم.^۳

مقرر شد روز ۱۷ مردادماه ۱۳۰۳ دولت برای پاسخ استیضاح در مجلس حضور یابد. مکی معتقد است: سردار سپه خیلی از استیضاح می‌ترسید، زیرا یکی از استیضاح‌کنندگان مدرس بود که در نطق و بیان کاملاً بر مجلس مسلط می‌شد و تمام حرف‌های خود را می‌گفت و اعمال و رفتار غیرقانونی سردار سپه را از پشت تریبون به گوش مردم می‌رساند.^۴

رضاخان بیش از نیمی از بودجه را برای وزارت جنگ اختصاص داده بود، درحالی که هزینه فرهنگ

۱. مکی، مدرس قهرمان آزادی، ص ۸۶۵.

۲. همان، ص ۸۶۵.

۳. مدرسی، مدرس، ص ۸۵.

۴. مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، جلد سوم، صص ۱۴۴-۱۴۵.

مردم یک‌صدم بودجه بود. مدرس که رهبری فراکسیون نیرومندی را در مجلس داشت به علت کارهای خلاف رضاخان کابینه را استیضاح کرد و خواستار برکناری او از وزارت جنگ و پایان دادن به حکومت نظامی در کشور شد.^۱

با اجتماع مردم در محیط مجلس و بهارستان زد و خورد شروع شد و مردم به دستور رضاخان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. احیاء السلطنه بهرامی سیلی سختی به مدرس زد که سیدمحمی‌الدین و کیل شیراز هم سیلی سخت‌تری به صورت بهرامی نواخت. سیلی به مدرس برای رضاخان خیلی گران تمام شد، به طوری که موجب شورش مردم شد و انقلاب بزرگی به وجود آمد. مؤتمن‌الملک و مستوفی با رضاخان صحبت کردند، رضاخان که احساس خطر کرده بود به اتفاق رئیس مجلس به اتاقی که عده‌ای از علما و اصناف نشسته بودند آمد و عذرخواهی کرد و وعده داد از این قضایا که برخلاف میل مردم است جلوگیری کند و درخواست جمهوریخواهی به کلی منتفی شد و دیگر فرصت طرح مجدد در مجلس را نیافت.^۲

در این باره شجیعی می‌نویسد: توهین به لیدر اقلیت در محیط مجلس با جنبه روحانیت او تأثیر بسیار عمیقی در افکار و احساسات جامعه آن روز به وجود آورد، چنان که دو روز پس از این جریان، انقلاب بزرگی به صورت تظاهرات مخالفت‌آمیز از طرف تمام طبقات مردم بر ضد اساس جمهوری شد.^۳ به هر حال بعد از شکست جمهوریخواهی رضاخان با قهر از تهران خارج و به رودهن رفت. نمایندگانی که از ترس خود را باخته بودند مجلس را تشکیل داده و سردار سپه را بدون حضور مدرس برای ریاست وزرا انتخاب کردند.

سردار سپه که فضای سیاسی و اجتماعی روز و نظر احمدشاه و نمایندگان را علیه خود دید بعد از این، دام فریب و ریا گسترد و گاهی خود را در مقابل مدرس تسلیم نشان می‌داد و با مدرس اظهار دوستی و هم‌فکری می‌کرد.

از طرفی فراکسیون اقلیت در مجلس و خارج از آن نمی‌توانستند سخن بگویند و شهربانی کاملاً مراقب بود که هر کس از مدرس حرف بزند، توقیف و شکنجه می‌شد. روزنامه‌ها اگر مطالب اقلیت را در مجلس می‌نوشتند روزنامه‌هایشان توقیف و خودشان گرفتار عمال شهربانی می‌شدند. در این زمان میرزاده عشقی که با بی‌باکی و شجاعت مطلب می‌نوشت، به وسیله دست نشانده‌گان رضاخان ترور شد.

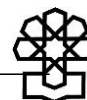
مدرس اعلامیه‌ای منتشر کرد و مردم را برای تشییع جنازه عشقی دعوت کرد و حدود سی هزار نفر، جنازه عشقی را از مسجد سپهسالار به ابن بابویه تشییع کردند. ملک‌الشعراى بهار که خود یکی از نمایندگان این دوره بوده در مورد جلسه هفدهم اسد ۱۳۰۳ وقایع روز استیضاح را چنین می‌نویسد:

«باری این وقایع وقت را ضایع کرد. عده‌ای هم نیامده بودند و هر چه بود این دست و آن دست کردند

۱. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، اسلامی، ۱۳۸۳، جلد اول، صص ۱۸۹ تا ۱۹۲.

۲. مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ص ۵۳۹.

۳. زهرا شجیعی، نخبگان سیاسی ایران، تهران، سخن، ۱۳۷۲، جلد ۳.



تا ظهر شد و جلسه تشکیل نشد. برخی از نمایندگان در مجلس ماندند و ناهار خوردند و برخی به منزل خود رفتند و معلوم شد در بیرون مجلس جمعی را برانگیخته‌اند تا به مدرس، حائری‌زاده و کازرونی حمله کنند و با چوب و مشت و لگد آنها را مضروب کردند به طوری که کازرونی در خانه‌اش افتاد و نتوانست در جلسه عصر حاضر شود».

بعد از ظهر همان روز مجدداً جلسه برای پاسخ به استیضاح تشکیل شد. تهدیدات متواتر، تماشاچیان ناشناس، تعرضات صبح و بعد از ظهر هر چه بود بر استیضاح‌کنندگان تأثیر گذاشت و مدرس صلاح ندانست که استیضاح‌کنندگان در مجلس حضور داشته باشند.^۱

مکی هم در این زمینه می‌نویسد: ... اقلیت از میان خود، ملک‌الشعراى بهار را به جلسه بعد از ظهر فرستادند که در آنجا به اطلاع مجلسیان برساند و در ضمن بگوید چون اقلیت آزادی نطق و بیان ندارد و همچنین دولت خود دست به اقداماتی زده و افراد اقلیت از این حیث تأمین ندارند.

بهار پس از ورود به مجلس ضمن بیان وقایع صبح چند سؤال را مطرح کرد و گفت: «... این قضایا باعث این شد که تأسف فوق‌العاده‌ای در نمایندگان اقلیت ایجاد شد و در حقیقت از مجلس محترم که مرکز قانونگذاری است سؤال کنیم و بپرسیم که آیا تکلیف ما با این اوضاع چیست؟ مجلس نسبت به اشخاصی که به آنها سوء قصد شده چه فکری خواهد کرد؟... و مجلس چه طور می‌تواند مصونیت ما را بعد از این تأمین کند؟»^۲

بهار سخنان خود را چنین به پایان برد: «منظور فراکسیون اقلیت است اظهار می‌کنند تا وضعیت به حال حاضر است و تا موقعی که مجلس و مجلسیان به موجب قانون اساسی محفوظ نیست استیضاح خودمان را مسکوت می‌گذاریم و مسترد نمی‌داریم و در عین حال در مجلس هم حاضر نمی‌شویم».^۳

انقراض قاجاریه و تشکیل سلسله پهلوی

در اوایل پاییز ۱۳۰۴ ش قحطی و گرسنگی ساختگی نان در تهران به وسیله رضاخان موجب شورش مردم شد و رضاخان به این بهانه تعداد بسیاری از طرفداران مدرس را دستگیر و به زندان انداخت.^۴ بعد از ماجرای شکست جمهوری رضاخانی و عزنامه‌ای که از سوی احمدشاه به مجلس رسید، کار رضاخان که در تدارک تغییر سلطنت بود مشکل‌تر شد. از این رو وی یکسری مانورهایی را انجام داد که از آن جمله سعی کرد به طور موقت هم که شده با مدرس کنار بیاید، البته این کار زیاد مشکل نبود و در ملاقات‌های فی‌مابین، رضاخان خود را تسلیم دستورات مدرس دانست و تعهد کرد تابع مجلس باشد و از

۱. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی تهران، امیرکبیر، جلد دوم، ۱۳۷۹، صص ۱۳۷ تا ۱۴۳.

۲. مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۳، ص ۱۵۱.

۳. همان، ص ۱۵۸.

۴. علی مدرس، مدرس، ص ۹۱.

طرفی مدرس شخصیتی با گذشت و بی‌کینه داشت. از این‌رو رضاخان توانست پس از چندماه و بدون اشکال به مدرس نزدیک شود و اعتماد او را جلب کند و از این رهگذر در جلسه ۱۲۶ تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۰۳ بدون مخالفت مدرس فرماندهی کل قوا را با مصوبه مجلس به‌دست آورد.^۱ ضمن آنکه رضاخان در اقداماتی مانند تظاهر به امور دینی و امثال اینها را نیز انجام می‌داد.

مکی می‌گوید: سردار سپه پیش‌بینی‌های لازم را برای تغییر سلطنت مخفیانه انجام می‌داد. از آن جمله چند شب قبل از ۹ آبان مخفیانه با تدین، رهنما، دبیر اعظم بهرامی طباطبایی، سلیمان میرزا و احیاء السلطنه ملاقات داشت و با هم، هم‌عهد شدند. وی از این عهدها با سایر متنفذین، وکلا و رجال نیز بسته بود و همه این کارها محرمانه و در پس پرده صورت می‌گرفت و از اول آبان‌ماه به دستور امرای لشکر تلگراف‌های بسیاری از تمام ایالات و ولایات به مجلس و بعضی از جراید علیه قاجاریه مخابره می‌شد.

در روز پنجم آبان داور و تیمورتاش و یکی دو نفر از نمایندگان طرفدار سردار سپه طرح مربوط به انقراض قاجاریه را تهیه و وکلای موافق سردار سپه را یکی یکی به منزل وی برده و با تهدید، تطمیع، نصیحت، بیم و امید امضا می‌گرفتند.^۲

از طرفی سیاست کمی نان تعقیب شد تا به مردم مجال تعمق در جریان‌های سیاسی را نداده باشند و با وجود این مقدمات کار فراهم شد و ناگهان روز هفتم آبان، موضوع تغییر سلطنت در مجلس طرح شد. در این جلسه ملک‌الشعراى بهار ضمن سخنانی از نمایندگان خواست که مجلس شورای ملی باید قانون اساسی را مراعات کند.

بهار پس از اتمام سخنانش از سالن خارج شد و برای استراحت به آبدارخانه مجلس رفت و عمال شهربانی خروج وی را به مأمورین خویش اطلاع دادند و آنان آماده کشتن بهار شدند. در همان زمان اتفاقاً حاجی واعظ، مدیر روزنامه نصیحت قزوین که کاملاً شبیه بهار بود از مجلس خارج شد که پس از تیراندازی به او زخمی شد و یکی از دژخیمان سر او را قطع کرد.^۳

معلوم است قربانی شدن واعظ قزوینی چه ترس و وحشتی در وکلا ایجاد کرد. بالاخره روز نهم آبان فرا رسید و پیشنهاد تغییر سلطنت^۴ با قید دو فوریت به شرح زیر قرائت شد:

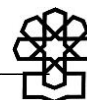
ماده واحده - «مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید. تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد (۳۶)،

۱. طاهری، زندگی سیاسی مدرس، پیشین، ص ۳۹۷، همچنین ر.ک: مدرسی، مرد روزگاران، صص ۲۳۱ تا ۲۳۶.

۲. مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۳، صص ۴۲۳ تا ۴۳۷، مدرسی در کتاب مرد روزگاران می‌نویسد: رضاخان ۱۶ مورد را برای تغییر رژیم تدارک دیده بود. ر.ک: صص ۲۵۹-۲۶۰.

۳. علی مدرسی، مرد روزگاران، صص ۲۶۱-۲۶۲.

۴. در تهیه و تنظیم تغییر سلطنت، عبدالحسین تیمورتاش و علی اکبرخان داور بیش از همه تلاش کردند که چند سال بعد هر دو به وسیله رضاخان به قتل رسیدند.



(۳۷)، (۳۸) و (۴۰) متمم قانون اساسی تشکیل می‌شود».

چنانکه از صورت مذاکرات مجلس تاریخ ۹ آبان پیداست، حدود ۲۲ نفر با تغییر سلطنت مخالف بودند؛^۱ ولی از میان آنها تنها ۵ نفر شجاعت و تهور را داشتند که علناً مخالفت و دلایل آن را اظهار دارند. این پنج نفر عبارت بودند از: مدرس، مصدق، دولت‌آبادی، تقی‌زاده و علاء.^۲ حتی اظهار مخالفت برخی از این ۵ نفر ضمن تعریف و تمجید از سردار سپه به صورت ضمنی بیان شد، ولی تنها فردی که با این موضوع سخت مخالفت کرد و حتی مجلس را غیرقانونی و عمل نمایندگان را خلاف قانون اساسی معرفی کرد، مدرس بود. او موضع خود را با یک اعتراض نظامنامه‌ای اعلام داشت و پیش از همه از مجلس خارج شد.^۳

پس از طرح ماده واحده سخنانی میان مدرس و نائب رئیس مجلس رد و بدل شد که بهتر است متن صورت مذاکرات آن آورده شود. مدرس - اخطار قانونی دارم.

نایب رئیس - به همین پیشنهاد است؟ مدرس - بلی.

نایب رئیس - ماده‌اش را بفرمایید؟

مدرس - ماده‌اش این است که خلاف قانونی اساسی است.

نایب رئیس - در موقعش صحبت بفرمایید.

مدرس - اخطار قانونی است که خلاف قانون اساسی است و نمی‌شود در اینجا طرح کرد (در حال خروج از جلسه): صد هزار رأی هم بدهید خلاف قانون است.

معنی سخن مدرس این است که سلطنت قاجار خوب یا بد در متن قانون اساسی قید شده و مجلسی که وکلایش قسم خوردند در چارچوب قانون اساسی موجود عمل کنند نمی‌تواند مصوبه‌ای خلاف قانون مزبور داشته باشد، این سخن کاملاً منطقی است، علاء و تقی‌زاده هم همین مطلب را گفتند؛ ولی صراحت مدرس را نداشتند.^۴

نکته قابل توجه در این جلسه آن است که از ۱۲ نماینده تهران یا مخالف بودند یا در جلسه شرکت نکردند.^۵

به هر حال مجلس برای تعیین تکلیف، لزوم تأسیس مجلس مؤسسان را نسبت دو برابر عده نمایندگان مجلس شورای ملی تصویب کرد و خود تا پایان کار مجلس و سپردن سرنوشت کشور، سردار

۱. باقی در کتاب خود نام ۳۱ نفر از اسامی مخالفین تغییر رژیم را ذکر می‌کند. وی می‌نویسد، تعداد حاضرین ۸۵ نفر بودند، حاضرین هنگام رأی ۸۰ نفر، مخالفین و غائبین در مجموع ۳۱ نفر که عده‌ای از جلسه خارج شدند و بعضی هم در جلسه شرکت نکردند، در نتیجه ماده واحده با ۴۹ رأی تصویب شد. ر. ک: عبدالعلی باقی، مدرس، مجاهدی شکست‌ناپذیر، ص ۸۸.

۲. مدرس، مرد روزگاران، صص ۲۶۴ - ۲۶۵.

۳. همان، ص ۲۶۵.

۴. طاهری، پیشین، ص ۴۱۳.

۵. مکی، مدرس قهرمان آزادی، جلد دوم، ص ۷۱۶.

سپه را به حکومت موقت انتخاب کرد و مجلس مؤسسان هم به تشکیل ۵ جلسه در آخرین جلسه خود به تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ در ماده واحده‌ای سلطنت را در خاندان پهلوی موروثی قرار داد.^۱ به این ترتیب عمر پُر غوغا و جنجال مجلس پنجم نیز در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۰۴ (هش) مطابق ۲۷ رجب ۱۳۴۴ به پایان رسید.

مدرس و دوره ششم مجلس شورای ملی

انتخابات دوره ششم مجلس در کابینه فروغی شروع شد و در برخی از نقاط کشور امر انتخابات زیر نظر مستقیم نظامیان بود. در تهران و سایر نقاط کشور وضع انتخابات متفاوت بود و با همه تلاشی که برای جلوگیری از انتخابات حقیقی نمایندگان در تهران و سایر نقاط کشور به عمل آمد، مدرس که هنوز از مخالفان رضاخان بود، نفر اول تهران شد و از لیستی که مدرس داده بود ۹ نفر به مجلس راه یافتند. مردم تهران با این انتخاب به رضاشاه فهماندند انتخابات مجلس مؤسسان قلابی بوده و مردم می‌توانند نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند.^۲

نکته مهم آن است که مدرس با ۱۳۶۲۴ رأی نفر اول تهران شد و نفر دوم مستوفی با ۸۳۳۲ و نفر سوم مصدق ۸۰۷۱ رأی آورد که اختلاف رأی مدرس با نفر دوم بیش از پنج هزار رأی است.

دوره ششم قانونگذاری در ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ برابر با ۳۰ ذی‌الحجه ۱۳۴۴ شروع به کار کرد. مدرس که با مداخله نظامیان و تحمیل عده‌ای از آنها به‌عنوان نماینده به شدت مخالف بود با همکاری تعداد کمی از یاران خود به اعتراض پرداخته و با اعتبارنامه‌های وکلای فرمایشی مخالفت می‌کرد و مداخلات نظامی‌ها را آشکار می‌ساخت.

وی در مخالفت با اعتبارنامه یکی از آنها گفت: «در این انتخابات هم حکومت نظامی بوده و هم انتخاب‌کننده نظامی بوده است».^۳

از این دوره به بعد دیگر نشانی از فعالیت سیاسی احزاب به مفهوم واقعی حزبی نه در مجلس و نه در خارج از آن دیده نمی‌شود و دوران فترت اجباری احزاب آغاز می‌شود. البته از دوره هفتم حتی وضع از این نیز بدتر شد و از این دوره تا دوره سیزدهم، مجلس یک دست از نمایندگان رضاخانی انباشته شد.^۴

سوءقصد به جان مدرس

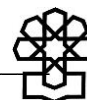
روز ۷ آبان‌ماه ۱۳۰۵ عده‌ای از عمال رضاخان مدرس را ترور کردند، اما وی با ترفندی جالب توانست جان

۱. شجاعی، پیشین، صص ۱۵۴ - ۱۵۵.

۲. یونس مروارید، ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت، تهران، اوحدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵.

۳. مدرس، مدرس، ص ۹۴.

۴. حسین تبریزینیا، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، بی‌جا، بین‌الملل، ۱۳۷۱.



سالم به در برد که چگونگی این توطئه را خواجه نوری به شرح زیر آورده است. موقعی که مدرس سحرخیز، برای درس گفتن به طرف مسجد سپهسالار می‌رفت چند نفر به او حمله کردند و با هفت تیر به او شلیک می‌کنند. مدرس فوری رو به دیوار عبا را با دو دست به طرف سر خود بلند کرد به صورتی که بدنش در پایین عبا قرار گرفت و نتیجه این عمل ماهرانه و عجیب این شد که از شلیک جانینان چند تیر به ساعد و بازوان او اصابت کرد و یکی هم به کتفش خورد. رضاخان از مازندران تلگراف تفقدی در احوالپرسی مدرس فرستاد، مدرس در جواب رضاخان نوشته بود به کوری چشم دشمنان، مدرس نمرده است.^۱

پس از ترور مدرس، در اولین جلسه رسمی در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۰۵ و جلسه خصوصی موضوع ترور مطرح شد و حتی تمام وقت آن جلسه رسمی صرف بحث و مذاکره و اعتراض نمایندگان شد که اگر به مذاکرات این جلسه و جلسات دیگر توجه شود بسیاری از مسائل از لابه‌لای سخنان نمایندگان فهمیده می‌شود که چه دستی در این ترور بوده است.

در جلسه دوم هم در ۱۰ آبان ماه ۱۳۰۵ شدیداً به ترور مدرس اعتراض شد و هیئت دولت را خواستند تا درباره سوءقصد توضیح داده و بگویند نتیجه تحقیقات به کجا انجامید.^۲ نخستین نماینده‌ای که درباره سوءقصد سخن گفت حاج آقا اسماعیلی عراقی نماینده اراک و یکی از طرفداران مدرس بود. به صورتی که در دوره‌های بعد که نماینده مجلس بود به شهربانی احضار و به وسیله‌ای مسموم شد و به محض آنکه به منزل رسید، فوت کرد.^۳

مدرس و دوره هفتم مجلس

با به پایان رسیدن دوره ششم در ۲۲ مردادماه ۱۳۰۷ هـ ش انتخابات دوره هفتم در ۱۴ مهر ۱۳۰۷ زیر نظر رضاخان و سلطنت دیکتاتوری او شکل خاصی پیدا کرد. فهرست وکلای مورد نظر آماده و به حوزه‌های انتخابیه ابلاغ شدند تا نام آنها از صندوق خارج شود. رضاخان تصمیم گرفت به هر طریق ممکن از راه یافتن مدرس و همفکرانش به مجلس جلوگیری کند. این انتخابات کاملاً فرمایشی بود و همزمان با برگزاری آن اغلب یاران مدرس در زندان‌ها و تبعیدگاه‌های خوفناک به سر می‌بردند. در تهران به رغم فعالیت مردم این دیار برای انتخاب مدرس، عوامل رضاخان وقاحت را به حدی رسانیدند که اجازه ندادند حتی یک رأی به نام مدرس از صندوق‌ها بیرون بیاید.^۴

۱. خواجه نوری، بازیگران عصر طلایی، پیشین، صص ۱۵۹ تا ۱۶۱.

۲. مکی، مدرس، قهرمان آزادی، صص ۷۳۹.

۳. همان، صص ۷۳۹.

۴. مدرسی، مرد روزگاران، صص ۳۳۵-۳۳۴.

علل قتل مدرس

- البته دلایل بسیاری در این باره وجود دارد. مکی در پاسخ به این سؤال نکاتی را بیان کرده که عبارتند از:
۱. رضاشاه در چند مورد از مدرس شکست خورده بود و به ناچار به منزل مدرس رفته بود و دو زانو در مقابل او نشسته و خود را تسلیم محض نشان داده بود.
 ۲. با وجود مدرس، سردار سپه نمی‌توانست هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد و او فعال مایه‌اش باشد، مسلماً مدرس رشید و پهلوان سیاست و دیانت در مقابل او خواهد ایستاد.
 ۳. مخالفت انگلیسی‌ها با امثال مدرس، زیرا انگلیسی‌ها در چند مرحله از روحانیت شکست سختی خورده بودند. از قبیل واقعه تنباکو و مخالفت میرزای شیرازی با امتیاز رژیم و تبعیت مردم از فتوای میرزا و در قرارداد ۱۹۱۹ هم از مدرس شکست خورده بودند.
 ۴. برای ایجاد حکومت دیکتاتوری و «تمرکز قدرت» باید تمام مؤثرترین و متنفدین و مخالفین سیاست انگلیس از بین بروند.^۱

فصل سوم - اندیشه سیاسی مدرس

مفهوم اندیشه سیاسی

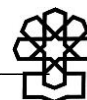
در این قسمت به بررسی برخی از مهمترین اندیشه‌های سیاسی مدرس، عناوینی از قبیل «سیاست و حکومت، مبانی مشروعیت حکومت، قوای سه‌گانه و جایگاه آنها» از دیدگاه شهید مدرس می‌پردازیم. اگرچه اندیشه‌های سیاسی و حکومتی ایشان بسیار فراوان است و هر یک از عنوان‌های موردنظر که در نطق‌های متعددی در مجلس، هنگام تدریس و... بیان شده مباحث مفصلی را می‌طلبد، اما از آنجایی که بنابر اختصار است فقط به برخی از آرا و عقاید خود به شیوه‌ای عقلانی و منطقی تا حدی که اندیشه‌های وی دیگر صرفاً آرا و ترجیحات شخصی به شمار نرود را بیان خواهیم کرد.

۱. ورود مدرس به اندیشه سیاسی

مردم ایران در عصر قاجار و پهلوی اول با دو بحران مواجه بودند. یکی استبداد و خودرأیی حکام و دیگر، استعمار و دخالت قدرت‌های خارجی. لذا ظهور پدیده مجلس با ادعای داشتن حق برتر در تعیین مرجعیت کلان سیاست‌ها در جامعه، بی‌شک می‌توانست در تعارضی پرحرارت با انگیزه‌ها و رویکردهای نظام پادشاهی و منافع قدرت‌های خارجی قرار گیرد.

بر این اساس نمایندگان مردم در مجلس، ایفاگر مهمترین نقش‌ها در این زمینه محسوب می‌شدند.

۱. مکی، مدرس قهرمان آزادی، صص ۷۷۱ تا ۷۷۳.



این افراد اگر چه نمایندگان و برگزیدگان مردم بودند، اما خود به واسطه‌هایی تبدیل می‌گردیدند که زبان عمومی جامعه را به زبان قابل فهم برای دیگر عوامل مؤثر در تصمیم‌سازی تبدیل می‌کردند. در چنین شرایطی بود که مدرس گام در مجلس گذارده و به‌عنوان یکی از وکلای مردم تا ۵ دوره در این منصب به فعالیت پرداخته است.

۲. حاکمیت ملت

یکی از بخش‌های مهم اندیشه حکومتی او اعتقاد به حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان است. مدرس زمانی برای مردم و ملت اصالت و ارزش فوق‌العاده قائل است که عصر حکومت اشرافیت و فئودالی است و این سخنان برای دولت‌ها و سلطنت‌ها قابل قبول نیست. وی می‌گوید: «تمام این مقامات که از سلسله‌های مختلف هستند از شاه و رئیس‌الوزرا و نمایندگان پارلمان و حجه‌الاسلام، تمام اینها نوکر خلقند. یکی اسمش شاه است یکی هم رئیس‌الوزرا، تمام اینها باید نوکری مردم را بکنند»^۱.

۳. دیانت و سیاست

یکی از اندیشه‌های حکومتی مدرس دیدگاه او به موضوع دیانت و سیاست و ارتباط آن دو با یکدیگر است، وی درباره علت ضعف ممالک اسلامی و ترقی ممالک غیراسلامی در یکی از جلسات مجلس چنین می‌گوید: در ممالک اسلامی اشخاصی که متدین هستند دوری می‌کنند از کسانی که داخل سیاست هستند. آنها که دوری کرده‌اند - ناچار هر نوع اشخاصی - رشته امور سیاست را در دست گرفته و از این رو به عقب می‌روند ... من و امثال من که مشروطه را تصدیق کردیم برای این بود که اختلاف از بین برود. پیغمبر اکرم (ص) که مؤسس دیانت بود، رئیس سیاست هم بود. از آن وقت که اختلاف پیدا شد، ممالک اسلام رو به ضعف رفت.^۲

مدرس در ریشه‌یابی دلیل انحطاط مسلمین در اداره کشورها و سرزمین‌ها یکی نبودن آیین اعتقادی اداره‌کنندگان با شیوه علمی در اجرای سیاست و پیشبرد آن را به‌عنوان عامل اصلی دانسته و تلفیق اعتقاد و عمل، دین و سیاست را به‌عنوان عامل رهایی از انحطاط مسلمانان می‌داند.^۳

۴. نظریه موازنه عدمی

نوع، نوآوری و کلید اصلی شناخت شخصیت سیاسی، اجتماعی مدرس در موازنه عدمی او نهفته است که آن را در باب سیاست خارجی عنوان می‌کند. یکی از مصادیق بارز این اندیشه مخالفت وی با قرارداد

۱. مدرس، مرد روزگاران، ص ۲۳۱.

۲. ملک‌محمدی، پیشین، ص ۱۶۱.

۳. همان، ص ۱۶۱.

۱۹۱۹ است و این نخستین پیکار بزرگ او بود که از آن پیروز بیرون آمد.

مدرس دلایل مخالفت خود را با قرارداد این‌گونه بیان می‌دارد:

«قرارداد منحوس، یک سیاست مضر به دیانت اسلام به ضرر سیاست بی‌طرفی ما بوده ... ما بی‌طرفیم ... کابینه و ثوق‌الدوله خواست ایران را رنگ بدهد اظهار تمایل به دولت انگلیسی کرد، بر ضد او ملت ایران قیام نمود. حال هم هر کس تمایل به سیاستی بنماید، ما یعنی ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود ... ایرانی باید خودش ایرانی باشد سیاستش باید ایرانی باشد»^۱.

مدرسی درباره این سؤال که چرا ترس در اندیشه و عمل مدرس راه نداشت؟ معتقد است: ما ترس را نمی‌توانیم درک کنیم مگر آنکه مبانی موازنه عدمی را بشناسیم، وی می‌گوید: مبانی فلسفه موازنه عدمی مدرس بر پایه‌های: اصالت انسان و گوهر الهی آن، عقل سلیم، برقراری رابطه رشد با خویش و دیگران، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و آزادی‌پی‌ریزی شده است و مدرس برای درک این مبانی، از تاریخ شروع می‌کند و بحث او در تاریخ، از مفهوم «هویت» شروع می‌شود، در واقع او تاریخ را بازیابی و بازشناسی هویت هر قوم و ملتی می‌داند.^۲

همان‌طور که گفته شد، به عقیده مدرس، نیل به خودکفایی سیاسی و دستیابی به استقلال فرهنگی و اقتصادی کشور، جز در سایه اعمال سیاست توازن عدمی و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های استعماری شرق و غرب در ایران میسر نیست. او به کرات بدین موضوع تصریح کرده است که ضرورت دارد توازن عدمی را نسبت به همه دولت‌ها مراعات کنیم، نه توازن وجودی را و از تمایل به هر سیاست خارجی چه رنگ شمال داشته و چه جنوب و چه شرق و چه غرب بپرهیزیم.^۳

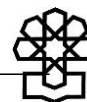
نبوغ و نوآوری و کلید اصلی شناخت شخصیت سیاسی - اجتماعی و حتی دینی - اخلاقی مدرس در نظریه «موازنه عدمی» او نهفته است. مدرس، خود واضح این اصطلاح است و تا پیش از او کسی این اصطلاح را به کار نبرده بود. این نظریه پایه مبارزات ضداستبدادی و ضداستعماری مدرس است.

وی در یکی از نطق‌های خود در مجلس شورای ملی، وقتی اوضاع جهان و در آن میان وضعیت ایران عصر خود را بیان و تشریح می‌کند، در باب روابط با دول بیگانه این چنین می‌گوید: «منشأ سیاست ما دیانت ماست. ما با تمام دنیا دوستیم، مادامی که متعرض ما نشده‌اند. هر کس متعرض ما بشود، متعرض او خواهیم شد. همین مذاکره را با مرحوم صدر اعظم عثمانی کردم گفتم: اگر کسی بدون اجازه ما وارد سر حد ایران شود و قدرت داشته باشیم، او را با تیر می‌زنیم، خواه کلاهی باشد، خواه عمامه‌ای باشد، خواه شاپو سر داشته باشد. دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ما، ما با همه

۱. ملک محمدی، پیشین، ص ۱۵۱.

۲. نشریه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال پنجم، ۱۳۷۷، شماره ۲۶، ص ۲۶۱.

۳. حسین رزمجو، مدرس و اصل توازن عدمی او در سیاست، مشکوه، بهار ۱۳۷۰، صص ۹۲ - ۹۱.



دوستیم و همین طور دستور داده شده است.^۱ البته برای مدرس فرقی نمی‌کند که بیگانه شرقی باشد یا غربی. آنچه برای او در روابط خارجی مهم است، تحصیل عزت و عظمت و منافع مسلمین است. مدرس باز بودن درهای کشور را بر مبنای موازنه عدمی دانسته است. یعنی همه گفته‌هایش مبنی بر فلسفه سیاسی اوست و اعتقاد دارد که روابط حسنه با تمام دول جهان باید بدون هیچ‌گونه سلطه و دخالت در امور یکدیگر وجود داشته باشد. او می‌گوید: «با تمام دول جهان باید روابط حسنه داشته باشیم، بدون اینکه دول قوی بخواهند بر ما سلطه سیاسی یا اقتصادی یا هر گونه دیگری داشته باشند».^۲

وی هیچ وقت بر این باور نبود که سیاست عدمی یعنی عدم ارتباط با دیگران، بلکه کشوری را قوی می‌داند که کشورش به همه سو ارتباط داشته باشد و بتواند در عین استقلال از فن و تکنولوژی دیگران هم استفاده و بهره ببرد.

به‌طور کلی خطوط اساسی اندیشه مدرس در سیاست خارجی در پنج دوره تقنینیه و سال‌ها شرکت فعال در عمل سیاسی مبتنی است بر رعایت: صلح و سلم، استقلال و تمامیت ارضی کشور، روابط دوطرفه، مصالح ایران و اسلام و موازنه عدمی و...^۳

دولت در دیدگاه مدرس، عبارت از نهاد اداره‌کننده مملکت نیست و قرار گرفتن در جایگاه دولتمردان فضیلتی نیست که باعث فخرفروشی دیگران شود، بلکه دولتمردان باید خدمتگزاران مردم باشند. این دیدگاه ایشان درباره جایگاه دولتمردان در تقابل با این نظر قرار می‌گیرد که معتقد است، دولتمردان جایگاهی جدا از ملت دارند و برتر از مردمند و بالطبع، مردم همیشه صغیر و نابالغاند و نیاز به آقابالاسر دارند. لذا مشارکتی هم در مسائل مملکتی ندارند و نمی‌توانند داشته باشند و این دولتمردانند که سازنده جامعه‌اند. پس مدرس معتقد بود که دولتمردان خدمتگزار مردمند و ملت اساس مملکت محسوب می‌شود: «... تمام این مقامات که از سلسله‌های مختلف هستند، شاه و رئیس الوزراء، پارلمان، حجه‌الاسلام، تمام اینها نوکر خلقند. یکی اسمش شاه است، یعنی نوکر مردم، یکی اسمش رئیس‌الوزراست. یعنی خدمتگزار مردم، تمام اینها باید نوکری بکنند».^۴

۵. مردم و مجلس از دیدگاه مدرس

هنگامی که بحث تمدید دوره مجلس شورای ملی بود، مدرس به جایگاه و نقش مردم اشاره کرده و

۱. محمد ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۲، ص ۴۶۴.

۲. علی مدرس، نگاه مدرس به فرهنگ و تمدن غرب، کتاب سروش، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. ترکمان، آراء، اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، ص ۱۲۵.

۴. محمد ترکمان، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۷.

می‌گوید: «بنده نمی‌توانم خودم را وکیل کنم، طریقه قانونی منحصر به رأی اکثریت ملت است»^۱. ایشان پشتوانه مردمی را بسیار حائز اهمیت می‌داند و تصمیم‌گیری درست و صحیح نمایندگان را اگر چه مخالف بزرگ‌ترین قدرت دنیا هم باشد، حتی مخالف با تمام قدرت‌های جهان باشد، در صورتی عملی می‌داند که نمایندگان مجلس مردم را پشت سر خود داشته باشند و از یک پشتوانه مردمی قومی برخوردار باشند. براساس این عقیده است که در سال ۱۳۰۳، در آن نطق مهمش می‌گوید:

مجلس شورای ملی که عبارت از صد وکیل‌اند، همه وطن‌خواه، همه صاحب عقیده محکم، همه اسلامی، همه سیاسی، ولی در صورتی مقاومت با دنیا می‌کنند که با بطعه ملت با آنها موافقت و پشتیبان آنها باشد. پس قوت با توجه به قلوب عامه است.^۲

۶. تفکیک قوا از نظر مدرس

مدرس دو دوره استبدادی را درک کرده بود. دوره‌ای را که شاه برابر بود با سه قوه یا فوق سه قوه و فوق قانون و دوره‌ای که اصلاً قوای سه‌گانه معنا و مفهومی ندارند و ایرانی که در آن انقلابی به نام انقلاب مشروطه به وجود آمده و ده پانزده سالی از آن گذشته ولی به هدف مطلوب خود نرسیده است و باز بوی استبداد فضای کشور را پر کرده است. وی در چنین فضایی آرا و نظرات خود را در باب عدم دخالت قوا در همدیگر ارائه می‌کند.

ایشان از قوای سه‌گانه حکمرانی، قوه مجریه، مقننه و قضائیه، دو قوه مقننه و مجریه را منتسب به مردم می‌داند.

الف) قوه مجریه

درباره قوه مجریه، مدرس عقیده دارد که وظیفه اساسی قوه مجریه، اجرای قوانین مصوبه قوه مقننه است، نه دخالت در قانونگذاری.^۳

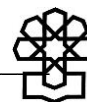
ب) قوه مقننه

از نظر ایشان، قوه مقننه را مردم انتخاب می‌کنند و کار قوه مقننه هم تدوین قوانین است، نه دخالت در حوزه‌های دیگر. البته قوانین وضع شده نباید تعارضی با قوانین شرع داشته باشند و ذکر این نکته هم خالی از فایده نیست که در دیدگاه مدرس، قدرت برتر در کشور مجلس است و اعتقاد دارد که در مقابل

۱. محمد ترکمان، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲. علی مدرسی، مرد روزگاران، ص ۲۱۶.

۳. محمد ترکمان، پیشین، جلد اول، صص ۲۳۷، ۲۳۶، و موسی نجفی، پیشین، ص ۲۸۷.



مجلس هیچ چیز نمی‌تواند بایستد.^۱

ج) قوه قضائیه

یکی دیگر از وظایف و اختیارات حاکمان اسلامی به تصریح آیات و روایات، قضاوت و دادرسی در میان مردم است و ایشان این وظیفه مهم را تنها بر کسانی روا می‌داند که بیان احکام الهی را برعهده دارند. به نظر مدرس، اهمیت قضاوت بسیار مهم است و باید استقلال خود را حفظ کند. در اسلام قضاوت جایگاه والایی دارد و از شئون پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) است و در زمان غیبت نیز جزء وظایف مراجع صلاحیت‌دار است.^۲ بنابراین قضاوت به تصریح روایات مختلف در میان مردم تنها بر حاکمان عادل و عالم به قضا یعنی پیامبر (ص) و جانشینان معصوم (ع) آن حضرت و منصوبین از سوی آنان جایز است.

بنابر دیدگاه مدرس قوه قضائیه بخش مستقلی از حکومت است. حتی به نظر ایشان درس خوانده‌های ممالک غربی نمی‌توانند در این قوه مشغول شوند و یا دولت نمی‌تواند حق قضاوت را به کسانی غیر از مجتهدین عادل واگذار کند. با توجه به این ویژگی‌ها مدرس به استقلال قوه قضائیه و اینکه چه کسانی عهده‌دار این منصب باشند، بسیار حساسیت نشان می‌داد.

نقش مدرس در ساخت‌وساز اصولی نهاد عدلیه و قانون به‌عنوان دو اصل مهم مشروطه انکارناپذیر است. بر این مبنا سعی ایشان در جدا ساختن کارکرد آنها از دولت را می‌توان به‌عنوان اندیشه تفکیک قوا در آثار مدرس انگاشت.^۳

وی به‌خاطر جلوگیری از تداخل وظایف قوا معتقد است که در کشور، علاوه بر قوای مجریه و مقننه باید یک مرجع عالی و دادگاه مقتدری وجود داشته باشد که تمیز دهد که چه کسانی در مسائل مملکتی خطا کرده‌اند و چه کسانی خطا نکرده‌اند. در اندیشه ایشان استقلال قوه قضائیه تعبیه شده که هر کس به راحتی نمی‌تواند در استقلال آن و در حدود وظایف آن دخالت کند و ما در بررسی آرا و اندیشه او پیرامون شأن قاضی و مختصات عدلیه، چشم‌انداز روشنی را از اندیشه‌های او در باب مسئله تفکیک قوا دیدیم. استقلال قوه قضائیه و چگونگی تحصیل این استقلال و ... را در گفتار ایشان که در ذیل آمده، به خوبی می‌توان یافت:

لکن عدلیه مایه و حقیقتش علم است. باید احکام شرعی و حقوقی را بدانند تا در عدلیه بنشینند. بنده نمی‌گویم مجتهد باشد، زیرا که مثلاً قضاوت در کار نیست، عمل کردن به علم است، از باب امر به معروف و نهی از منکر. سابق بر این، یک حاکمی که یک سندی پیش او می‌بردند و می‌گفتند که از فلان شخص طلب دارم، می‌فرستاد طرف را می‌آورد، به چوب می‌بست که فلان مبلغ را مطابق این سند باید بدهی، بعد

۱. محمد ترکمان، همان، صص ۸۱ - ۸۰.

۲. رضا عیسی‌نیا، اندیشه سیاسی شهید مدرس، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶، ص ۷۵.

۳. موسی نجفی، پیشین، ص ۲۸۲.

که مشروطه شد، آمدیم این مسئله را اداری کردیم، گفتیم که یک محکمه ابتدایی و یک محکمه استینافی و یک (محکمه) تمیز باشد که هفت نفر علم پیدا کنند که این شخص مدیون است و مثل سابق نباشد که به زور و قوت از او بگیرند... قضاوت محتاج به شاهد است و وظیفه پیامبر و امام و مؤمن (امتحن الله) عمل به علم است و باید معلومات داشته باشد که هر مسئله را بداند یا اگر نداند، کتب فقه را باز کند و بفهمد که این مسئله حکمش چیست. به این لحاظ گفتیم که این وزارتخانه (عدلیه) یک وزارتخانه است که باید اصلاح امور مملکتی را بکند و اگر وزیری آمد و گفت: فلان، تو چرا روی این صندلی نشسته‌ای؟ بگوید: علم و عمل من، مرا روی این صندلی نشانده و دیگر نشود او را برداشت. زیرا اگر مقامش متزلزل باشد، نمی‌تواند بر طبق عقیده‌اش حکم کند و متکی به علم و عملش باشد و بگوید علم من مرا روی این صندلی نشانده، نه... نه فلان کس برای اینکه وقتی علم و عمل او را روی صندلی نشانده، آن وقت دیگر فلان شخص نمی‌تواند به او بگوید باید تابع اراده من باشی و آزادانه می‌تواند حکم کند»^۱.

۷. وظایف و اختیارات حکومت در سیاست

وظایف و اختیارات حکومت در سیاست داخلی و خارجی به شرح ذیل است:

وظایف و اختیارات حاکم و حکومت اسلامی در دیدگاه مدرس را می‌توان اجمالاً به صورت زیر

طبقه‌بندی کرد:

۱. ایجاد آسایش و رفاه برای مردم کشور،
۲. دریافت مالیات از شهروندان،
۳. اجرای عدالت در جامعه،
۴. حفظ مرزهای کشور اسلامی،
۵. عمران و آبادی کشور.

همان‌طور که گفته شد، یکی از وظایف و اختیارات حکومت در زمینه سیاست داخلی، اجرای عدالت است. ایشان معتقد است که در جامعه اگر عدل رعایت شد، نظام جامعه از هم گسسته نمی‌شود، ولی اگر عدل رعایت نشود، جامعه در تمام ابعادش متضرر خواهد گردید. البته عدل در دیدگاه مدرس، یعنی از جایش گرفتن به قدر امکان و به مصرف همان‌ها رساندن به قدر امکان. وی در این‌باره می‌گوید:

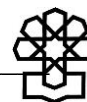
عدل آن است که از مورد گرفته شود و به مورد خرج شود. از همان‌هایی که گرفته می‌شود، خرج همان‌ها

شود. این معنی عدل است. از ملت پولی که گرفته می‌شود، به مصارفی برسد که به نفع آن ملت باشد.^۲

سپس نتیجه می‌گیرد که اگر این فعل نیک در جامعه تحقق یابد، هرگز به اقتصاد و مملکت ضرر

۱. محمد ترکمان، پیشین، جلد اول، ص ۲۴۶.

۲. محمد ترکمان، پیشین، جلد دوم، ص ۴۷۸.



وارد نمی‌شود.

همان‌طور که گفته شد، یکی دیگر از وظایف حکومت، دریافت مالیات است و مدرس در این قسمت به ضرورت و اهمیت پرداخت و دریافت مالیات در کشور اشاره می‌کند. او معتقد است که اگر شهروندان در امر پرداخت مالیات نظام‌مند باشند، آن کشور دست به‌سوی کشورهای بیگانه دراز نکرده و مجبور به استقراض خارجی نخواهد شد.

البته لازم به ذکر است که ایشان در این موضوع آن قدر حساس می‌شود و مسئولیت می‌کند تا جایی که به‌عنوان یک فقیه طراز اول که نماینده فقهای دیگر در مجلس می‌باشد، حکم می‌دهد که آنهایی که می‌توانند مالیات بدهند یا باید مالیات بدهند، ولی در امر پرداخت مالیات تعلل و استنکاف می‌کنند، خائنین به ملت و وطن‌فروش محسوب می‌شوند و باید این افراد مجازات شوند.^۱

همچنین یکی از موضوعات سیاست خارجی و روابط با کشورهای خارجی است که این موضوع یکی از بحث‌های کلیدی و بسیار مهم اندیشه سیاسی مدرس را تشکیل می‌دهد که تحت عنوان سیاست موازنه عدل است. البته جالب و کلیدی بودن این اندیشه را می‌توان با در نظر گرفتن فضای سیاسی آن عصر بهتر درک کرد، چرا که ایران آن عصر جامعه‌ای بود از درون آفت‌زده و از بیرون هم ترمینال دو قدرت بزرگ (و به گفته خود مدرس دو قدرت که یکی «اعقل» و دیگری «عافل» و یکی قوی و دیگری اقوی) روسیه و انگلیس، دو قدرت که هر وقت اراده می‌کردند، به بهانه‌ای ایران را مابین خود تقسیم کرده و منابع و معادن و ثروت مادی و انسانی آن را به تاراج می‌بردند.^۲

وظایف و اهداف حکومت در زمینه سیاست خارجی را نیز می‌توان از دیدگاه مدرس این‌گونه بیان کرد:

۱. تأمین حاکمیت و استقلال کشور،
۲. تدوین و اجرای اصول سیاست خارجی بر پایه دیانت،
۳. مبارزه با بیگانه در صورت تعدی و تجاوز به کشور،
۴. روابط حسنه با تمام دول جهان بدون هیچ‌گونه سلطه و دخالت در امور یکدیگر،
۵. دستیابی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در سایه اعمال سیاست توازن عدمی،
۶. توجه به مسائل و مشکلات مسلمانان جهان اسلام.^۳

۸. رفتار سیاسی مدرس و امام خمینی (ره)

ضمن بررسی مبانی نظری مشابه رفتار سیاسی این دو عالم اسلامی، تأثیر آن در شناخت اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره) آشکار می‌شود:

۱. محمد ترکمان، همان، جلد اول، ص ۲۲۹.

۲. عیسی‌نیا، پیشین، صص ۸۴-۸۵.

۳. عیسی‌نیا، ص ۸۵.

برای فهم اندیشه امام خمینی (ره) باید به دنبال شناخت سرمشق‌های امام یا به تعبیر دیگر شخصیت‌هایی بود که امام آمال خود را در اندیشه و رفتار آنان متجلی می‌دید. یکی از بارزترین این شخصیت‌ها، مدرس است که به موارد قابل مقایسه زیادی در این دو شخصیت می‌توان رسید. در رفتار سیاسی مدرس گونه‌های زیر مشاهده می‌شود:

مشارکت در انقلاب مشروطیت، نطق‌های منطقی و کوبنده ایشان به‌ویژه در مجلس، نمایندگی ازسوی مراجع به‌عنوان یکی از علمای طراز اول برای نظارت بر مصوبات مجلس شورای ملی، نمایندگی مجلس شورای ملی در پنج دوره (دوره‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم)، ریاست یا نایب ریاستی مجلس به‌طور مکرر، مخابره تلگراف‌های متعدد در موضوع‌های گوناگون، تحصن در حضرت عبدالعظیم، مرقومه به روزنامه‌ها (از جمله روزنامه برق و اطلاعات)، تأیید حرکت‌های انقلابی (نظیر حرکت علمای اصفهان)، انتشار بیانیه‌ها به مناسبت‌های مختلف (از جمله درباره کودتای رضاخان)، ملاقات‌های سیاسی داخلی و خارجی، فعالیت‌های گسترده سیاسی در مجلس و خارج از آن و ارائه پیشنهادهای ابتکاری، استیضاح رئیس‌الوزرا و مهاجرت از تهران به قم، کاشان و کرمانشاه و تشکیل حکومت موقت مقارن با جنگ جهانی، مخالفت‌های سرنوشت‌سازی همانند مخالفت با اولتیماتوم روسیه، مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹، مخالفت با طرح جمهوری رضاشاه.

مدرس هزینه سنگینی بابت این مشارکت‌های سیاسی پرداخت کرده است: ایشان رنج‌ها و سختی‌های بسیاری را متحمل شدند از جمله: رنج مهاجرت و هجوم تبلیغاتی و فیزیکی دشمنان حتی در مجلس شورای ملی که در دو سه نوبت تکرار گردید. همچنین کتک خوردن او در جریان جمهوریت، سوءقصد و ترور وی که در سه نوبت تکرار شد و هر سه نوبت نافرجام ماند. دستگیری‌های متعدد ازسوی جناح‌های گوناگون، تبعید و سرانجام «شهادت» ایشان.^۱

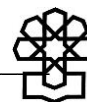
در رفتارشناسی سیاسی امام خمینی (ره) نیز تقریباً همه این موارد مشاهده می‌شود. به‌علاوه موارد متعدد دیگری در رفتارهای سیاسی امام خمینی (ره) دیده می‌شود که در مورد مدرس تحقق نیافته است. همچنین قابل ذکر است که درصد توجه امام خمینی (ره) به مسائل جهان اسلام به‌مراتب بیشتر از مدرس است، درحالی که درصد ملاقات‌های مدرس با مقامات رسمی و حکومتی گسترده‌تر از ملاقات‌های بسیار نادر امام خمینی (ره) با زمامداران حکومتی رژیم پهلوی است.^۲

این بررسی در مبانی نظری رفتار سیاسی امام خمینی (ره) و مرحوم مدرس در دو مقوله زیر بیان

می‌شود:

۱. برای اطلاعات و بررسی بیشتر درخصوص جزئیات این رفتارها و نیز اسناد و مدارک آن، ر.ک: مدرس و مجلس؛ نامه‌ها و اسناد؛ (تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳). همچنین برای کسب اطلاع از کتب و مقالات منتشره درباره مدرس، ر.ک: مجله مجلس و پژوهش، ۱۳ (دی و بهمن ۱۳۷۳) و کتابشناسی مدرس، صص ۱۹۱ - ۲۰۲.

۲. ابراهیم برزگر، رفتار سیاسی آیت‌الله مدرس از منظر امام خمینی (ره)، علوم سیاسی، ۱۳۸۲، شماره ۲۴.



الف) مرحله براندازی رژیم شاه

در این مرحله کیفیت مقابله مدرس با رضاخان بر دیدگاه امام خمینی (ره) در رویارویی با محمدرضا تأثیر گذاشت. هرچند مبارزه مدرس با قدرت‌های بزرگ روس و انگلیس در مقایسه با مقابله و مبارزه امام با آمریکا و شوروی بسیار کوچک است، اما امام بارها از ماجرای اولتیماتوم یاد می‌کنند و در موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی آن را شاهد مثال می‌آورند.

ب) مرحله سازندگی و استقرار نظام جمهوری اسلامی

تأثیرپذیری امام از آرا و رفتار سیاسی مدرس همچنان پس از پیروزی انقلاب نیز موضوعیت خویش را در اندیشه ایشان حفظ کرد. امام در این مرحله نیز از شخصیت و رفتار او در مرحله سازندگی سخن می‌گویند. در این مرحله امام از انسان‌سازی، کمال و قوت روحی مدرس، شجاعت و نه‌راسیدن از تهدید قوای خارجی، ساده‌زیستی، طلبگی و جذب قدرت سیاسی و مقام و ریاست نشدن وی یاد می‌کنند. از الگو قرار دادن مدرس برای نخبگان سیاسی و نمایندگان مجلس به‌منظور پرهیز از دنیاطلبی یاد می‌کنند و ضمن ذکر اهمیت انسان‌سازی اندیشه‌های او برای مراکز آموزشی خاطر نشان می‌سازند که او با تربیت انسان می‌تواند مسیر حوادث یک ملت یا حتی جهان را تغییر دهد.^۱

فصل چهارم - اندیشه‌های حقوقی و پارلمانی مدرس

۱. عدم بی‌طرفی در مجلس

از جمله ویژگی‌های شخصیتی مدرس که در برانگیختن حساسیت - مثبت یا منفی - نسبت به ایشان مؤثر بود این است که مدرس هیچ‌گاه در مسائل طرح شده در مجلس بی‌طرف نمی‌ماند و به اصطلاح مجلسیان، «رای ممتنع» را برای خود ننگ می‌دانست.

مدرس مسلمانی مجتهد و سیاستمدار بود، به خبرگی سیاسی و اجتماعی خود اعتماد داشت و نیز به رسالت مذهبی و سیاسی خویش به‌شدت پایبند بود. بنابراین به مقتضای مسلمانی مخالف بی‌طرفی و براساس اجتهاد، در استنباط فروع از اصول توانا و با اتکا بر خبرگی سیاسی و اجتماعی خود می‌توانست فروع را بر موارد و موضوعات تطبیق دهد. پس ایمانی که به رسالت اجتماعی خود و شهامت ویژه‌ای که در اظهار عقیده داشت، سبب شد در هر مسئله‌ای که به شکلی به او مربوط می‌شد موضعی صریح و قاطع اتخاذ کند و آن را با صراحت تمام بیان و با استقامت وصف‌ناپذیری تعقیب کند.

مدرس اهل محافظه‌کاری نبود و این‌گونه افراد نیز معمولاً با همراهان خود مسئله ندارند و فقط در

۱. ابراهیم برزگر، همان.

مقابل دیکتاتورها و عناوین باطل مقاومت می‌کنند. به طوری که گاهی اوقات مواردی پیش آمد که مجبور می‌شد در مقابل افراد ظاهرالصلاح بایستد یا عناوین به ظاهر آبرومند را بکوبد. از باب نمونه ایستادن در مقابل کابینه شخصیتی مانند مستوفی‌الممالک در مجلس چهارم و مقابله با عنوان مهمی مثل جمهوری پیشنهادی رضاخان کار آسانی نبود.^۱

۲. مدرس و تشکیلات عدلیه

ما امروز مدرس را در تلاش‌های بزرگ سیاسی و مذهبی او می‌شناسیم، در حالی که خدمات قضایی او نباید به فراموشی سپرده شود.

مدرس از دوره دوم رئیس کمیسیون عدلیه بود و پس از انحلال مجلس هم این کمیسیون تشکیل می‌شد. مدرس به اتفاق مشیرالدوله و امام جمعه خوبی موفق شدند قانون تشکیلات عدلیه و محاکم صحیه و جنایی را تهیه کنند و در کمیسیون به تصویب برسانند که این دوران از نظر فعالیت‌های علمی، سیاسی و عمرانی از سال‌های پربار زندگی اوست^۲ تا این زمان هنوز برای عدلیه قوانین و مقرراتی به صورت مدون تهیه نشده بود.

ایشان به کمک امام جمعه خوبی و مشیرالدوله به تدوین و تنظیم دو قسمت مهم از قوانین مورد نیاز وزارت عدلیه را طبق اصول و موازین شرعی می‌نویسند، ابتدا آیین دادرسی مدنی و سپس اصول تشکیلات عدلیه که این اصول شامل سه قسمت، موضوعات شرعی، موضوعات عرفیه و موضوعات مشترک بود که مجموعاً قانون دادرسی مدنی را شامل می‌شد.

در پایان «اصول تشکیلات عدلیه» آمده است: «بسم الله وله الحمد، کتاب تشکیلات عدلیه مرکب از دویست و شصت و پنج ماده و کتاب محاضر شرعی و صلحیه مرکب از چهل و شش ماده که مجموع کتابین سیصد و یازده ماده است در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه در محضر مذاکره و تحریر شده و در تصحیح و تطبیق آن با قوانین مقدسه شرع اسلام بقدر القدره و الامکان اهتمام و مراقبت نموده است».^۳

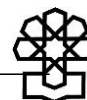
یحیی الخوئی - سیدحسن المدرس

طرح این تشکیلات نوپا با همفکری مجتهدی روشن ضمیر چون مدرس و افرادی مثل مشیرالدوله برای هر محقق قابل دقت است و برای رده‌های مختلف تشکیلات قضایی در کشور، مطالعه آن ضروری به نظر می‌رسد، به طوری که دقت در مباحث مربوط به تشکیلات قضایی و کم‌وکیف آن بصیرت بیشتری به برنامه‌ریزی‌های تشکیلات دادگستری می‌دهد.

۱. محمدرحیم عیوضی، راهی که مدرس گشود <http://www.zamane.info/1390/05/%D8%B1>

۲. مدرس و مجلس (نامه‌ها و اسناد)، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۱۶۶.



به‌عنوان مثال در ماده (۲) کتاب دوم آمده است:

«هرگاه متداعین، به تراضی، مجتهد دیگری را برای ارجاع امر خود از عدلیه تقاضا نمایند، عدلیه این تقاضا را قبول کرده و ارجاع می‌نماید، حکم صادره از محضر مزبور مثل احکام صادره از مراجع رسمی خواهد بود»^۱.

طبق این ماده استفاده از مجتهدین در امر قضا، بدون آنکه به عضویت دادگستری‌ها درآیند وجود داشته است و از طرفی تشکیلاتی شدن دستگاه قضایی از مجتهدین سلب تکلیف نمی‌کرد. البته این نکته نیز ناگفته نماند که مدرس در تمام ادوار نمایندگی همواره عضو و اغلب ریاست کمیسیون قضایی (عدلیه) مجلس شورای ملی را به عهده داشته است.

۳. هوشیاری در وضع قوانین

الف) فراست و طرفداری از استقلال در زندگی سیاسی مدرس.

مدرس در دومین نطق خود در مجلس گفت: «به بعضی موضوعات، اطلاع کامل نداشتن و در عرض پنج دقیقه، هی برخاستن و نشستن، این طریق وضع قانون نیست؛ باید اطرافش را تأمل کرد و بی‌دلیل رأی نداد»^۲.

ب) مدرس در جلسه روز پنج‌شنبه محرم‌الحرام ۱۳۲۹ ق گفت: «چند روز است چنین می‌نماید در مجلس بعضی اختلافات دیده می‌شود... که از هر کس هم اظهار شود، ان شاء... محمول بر نادانی است و جهالت و سهو و نسیان و الا که نماینده مسلمین هستند، اجل از این است که از روی غرض و خدای نخواستہ از روی عمد، اقداماتی که موجب ضعف و سستی این اساس باشد، بکنند. بنده عرض می‌کنم از رئیس و رئیس که بعضی بیاناتی که اسباب انزجار قلوب خود و کذاست و طبقات دیگر، باید این اساس را حفظ کنند، ولو اینکه ناملازم با بعضی طباع باشد»^۳.

۴. مدرس و جایگاه مجلس

یکی از اصول بنیادین اندیشه مدرس درباره نهاد مجلس است که بر دیگر اندیشه‌های مربوط به حکومت از نگاه او سایه می‌افکند. مدرس براساس این اندیشه در موارد بسیاری به بیان ویژگی‌های نماینده مجلس، حدود مجلس و التزام به قانون و تفکیک قوا می‌پردازد.^۴

از دیدگاه مدرس، مجلس قانونگذاری به منزله عصاره ملت و مرکز ثقل مملکت و به بیان او رقم زن^۵

۱. مشیرالدوله، سیدحسن مدرس، امام جمعه خوئی، اصول تشکیلات عدلیه، جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۶۵، ص ۵.

۲. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، ص ۷.

۳. همان، ص ۱۰.

۴. ملک‌محمدی، پیشین، ص ۲۰۷، همچنین ر.ک: به همین پژوهش، مدرس و دوره دوم مجلس شورای ملی.

۵. به معنای تعیین‌کننده.

قضا و قدر مردم و تنها مرجع تصمیم‌گیرنده در امور است. هیچ قانون، مصوبه، امتیاز دولت، مالیات، بودجه، خرج و ... بدون نظر و تصویب مجلس قانونیت ندارد.^۱

مدرس در جلسه ۲۰۲، حفظ کشور و مجلس را موقوف بر کلمه جامعه متحد یعنی اتحاد در غرض، نه اتحاد در سلیقه می‌داند و براساس آن می‌گوید:

«البته جماعتی از عقلا، سلیقه‌شان در مطالب مختلف است، اما در غرض یکی است، باید حفظ آن مرتبه را کرد. شأن و کلا که به منزله میلیون‌ها از مسلمین هستند اجل از این است که از روی غرض و خدای ناخواسته از روی عمد، اقدامی که به موجب ضعف و سستی این اساس باشد بکنند. بنده خواهشمندم که به نحو اخوت و یک جهتی از رئیس و مرئوس، عالی وادانی و کل آن کسانی که عاشق این اساس مشروطیت هستند که «خدالغایات و اترک المبادی» این جزئیات را متارکه به اصل غرض و اصل مقصودی که برای تمام مسلمانان است پردازند و ابدأ نکته‌گیری از همدیگر نکنند».^۲

در جلسه دیگری می‌گوید: «... برای مجلسی که می‌تواند سلطنت را تغییر دهد عوض کردن وزیر جنگ نباید مسئله‌ای باشد هیچ قوه‌ای در مقابل ما که برای اصلاح مملکت می‌کوشیم نمی‌تواند عرض اندام کند».^۳

۵. حاکمیت قانون

در جلسه ۱۲ مورخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۰۳ هنگام مذاکره در برنامه دولت اظهار داشت: اجرای قانون «اول قدم اصلاح است». مملکت یعنی حاکم قانون است، اگر قانون حاکم نباشد مملکت نیست.^۴

مدرس در جای دیگر ضمن دعوت نمایندگان به دقت، مشاوره و تأمل در مرحله تدوین قانون، آنان را به مرحله اجرایی آن نیز توجه داده و از جمله در جلسه ۶۸ پس از اشاره به قانون مجازات می‌گوید:

«...افسوس بعد از آنکه این قانون به مورد اجرا رفت، خوب به محل اجرا گذاشته نشد، چقدر زحمات به مردم داده شد و چقدر گفتگوها و اشکالات تولید شد ... باید ملاحظه کرد یک قانون که از مجلس خارج می‌شود یا از کمیسیونی که به تصویب مجلس قانونی می‌نویسد، می‌گذرد باید خوب اجرا شود که لطمه‌ای به مجلس شورای ملی وارد نیاید».^۵

۶. اندیشه اقتصادی مدرس

یکی از حوزه‌هایی که همراه با اندیشه‌های مدرس می‌توان بحث کرد، نگرش او به مسئله اقتصاد است که

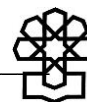
۱. محمد ترکمان، آرا و اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، تهران، هزاران، ۱۳۷۴، ص ۱۸۴.

۲. ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، ص ۱۰-۱۱.

۳. ملک‌محمدی، پیشین، ص ۲۰۶.

۴. ترکمان، آرا، اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، صص ۱۰۷-۱۰۸.

۵. ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، ص ۱۷۶.



در یکی از جلسات دوره ششم گفته بود. مدرس بر این باور است که باید از خرج تراشی‌های بی‌جا در کشور جلوگیری کرد تا هزینه‌های اضافی بر اقتصاد کشور تحمیل نشود. مدرس در بیان راه‌حل‌های خود برای اصلاح نظام اقتصادی کشور دو نکته اساسی را مورد توجه قرار می‌دهند:

نکته اول که در حال حاضر نیز مورد توجه است مسئله کاهش تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی بوده که او عقیده داشت: «مطابق تجربیاتی که در مملکت بالخصوص دیدیم این است که دولت نه ملاک خوبی می‌تواند باشد نه تجارت می‌تواند بکند ... و تاکنون هر چه کرده است دیدیم ضرر کرده است»^۱.
نکته دوم مدرس درباره نظام اقتصادی کشور، ضمن رد استقراض خارجی بر این باور است که مخارج کشور باید از داخل تأمین شود:

«امروز که پروگرام هیئت دولت را آورده، بنده دو اصل را تصدیق کردم، یکی اینکه مخارج مملکت حتماً باید از داخل مملکت تهیه شود و یکی این که جلوی مخارج زائد گرفته شود»^۲.
مدرس در حوزه اقتصاد مباحث فراوانی دارد، از جمله نیاز مملکت به مالیات برای پیشرفت، ضرورت امنیت مالکیت، لزوم زیاد کردن درآمدها و کاهش مخارج، لزوم نظم داشتن نظام مالیاتی کشور، خائن بودن افرادی که مالیات نمی‌پردازند، لزوم تشویق به سرمایه‌گذاری و ...

فصل پنجم - مدرس و دیگران

درباره زندگی شخصیت و اندیشه‌های مدرس آثار فراوانی منتشر شد و افرادی از او سخن گفته‌اند و نوشته‌اند. به جرئت می‌توان اظهار کرد که صرف‌نظر از چند درصد این آثار، در بقیه آنها از شهید مدرس به نیکی یاد شده و او را مرد سیاست، دیانت، علم و عمل معرفی کرده‌اند. در این بخش شخصیت مدرس از نگاه دیگران طرح شده و از آنجا که امکان ارائه همه دیدگاه‌ها وجود نداشته است، فقط نظر تعدادی از افراد مطرح می‌شود.

میرزای شیرازی

آیت ا... حاج میرزا حسن شیرازی این شخصیت بزرگ دینی درباره شهید مدرس گفته است:
« این اولاد رسول...، پاکدامنی اجدادش را داراست و در هوش و فراست گاهی من را به تعجب می‌افکند. در مدتی بسیار کوتاه از تمام هم‌درس‌هایش در گذشته و در منطق، فقه و اصول، سرآمد همه

۱. حسین تبریزیا، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، بی‌جا، بین‌الملل، ۱۳۷۱.

۲. مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ششم، جلسه ۱۳.

یارانش می‌باشد و قوه قضاوت او در حد کمال و نهایت درستکاری و تقوی است.^۱

حسین مکی

مکی نویسنده و مورخ ایرانی است که در معرفی شخصیت شهید مدرس تلاش زیادی داشته و در این رابطه آثار ارزشمندی به جای گذاشته است. او درباره مدرس گفته: «...مدرس از جمله کسانی بود که برای جلوگیری از حکومت خودمختاری و دیکتاتوری و برای جلوگیری از قدرت روزافزون و خطرناک سردار سپه با رفقای هم‌دست خود نقش‌های بسیار خطرناکی را بازی کرد که... به قیمت خون او تمام شده، به این معنی که پس از سالیان دراز در زندان و تبعید به سر بردن، بالاخره شربت شهادت نوشیده و با کفن خونین به خاک تیره این سرزمین مدفون و برای ابد در کام ازدهای ارتجاع بیداد بلعیده شده است».^۲

میلسپو

میلسپو، کارشناس مسائل نفتی آمریکا، برای اصلاح امور مالی ایران، در رأس یک هیئت دوازده نفره در سال ۱۳۰۱ش به ایران آمد. او پس از چند سال تلاش به کشورش بازگشت و دوباره به ایران دعوت شد و با مسئولیت‌های بیشتر مشغول کار شد. وی در رابطه با شخصیت مدرس گفته:

«مشخص‌ترین چهره و رهبر روحانیون در مجلس، مدرس می‌باشد که اخیراً به‌عنوان نایب رئیس اول مجلس انتخاب شده است. شهرت مدرس بیشتر در این است که برای پول اصلاً ارزشی قائل نیست. او در خانه ساده‌ای زندگی می‌کند که بجز یک قالیچه، تعدادی کتاب و یک مسند، چیز دیگری در آن وجود ندارد. لباس روحانیون را می‌پوشد و مردی است فاضل. در ملاقات با او محال است که کسی تحت تأثیر سادگی و هوش و قدرت رهبری او قرار نگیرد».^۳

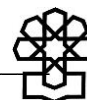
بهار

وی در دوره سوم مجلس شورای ملی به‌عنوان نماینده مردم کلات و سرخس به مجلس راه یافت. او این سمت را در مجلس چهارم، پنجم و ششم نیز برعهده داشت، ولی در مجلس هفتم نامش در لیست سیاه رضاشاه قرار گرفت و از راه‌یابی به مجلس بازماند. بهار، علیرغم انتقادهایی که نسبت به بعضی از کارهای مدرس داشت، از همفکران و یاران و دوستان جدی او به‌شمار می‌رفت و در عرصه‌های گوناگون با حمایت از وی و قرار گرفتن در جبهه او همکاری می‌کرد. بهار ضمن بیان جنبه علمی، تقدس، پاک‌دامنی، هوش و فکر مدرس و سرآمد دانستن او در سادگی، شهامت، از خودگذشتگی و فداکاری می‌نویسد:

۱. سیدصدرالدین طاهری، زندگی سیاسی مدرس، ص ۲۷۳.

۲. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۳، ص ۷.



«مدرس مجتهد مسلم بود، فقیه و اصولی بزرگ بود، به تاریخ، منطق و کلام آشنا و در سخنرانی و خطابه در عهد خود هم‌تا نداشت و چون عوام‌فریب نبود و غرور نداشت، پاکدامنی و ثبات عقیده در او بی‌اندازه قوی بود، هیچ‌گاه درصدد دفاع از حمله‌ها و تهمت‌هایی که به او زده می‌شد، بر نمی‌آمد».^۱

عبدا... مستوفی

ایشان نویسنده کتاب «شرح زندگانی من» یا «تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه» است. ایشان یکی از کسانی است که درخصوص دیدگاه‌های مدرس نسبت به رضاخان با ایشان گفتگوی جالبی انجام داده است. وی نظر خود را در مورد مدرس این‌گونه مطرح می‌کند:

اگر کسانی که هم‌عقیده مدرس بودند، مانند مصدق، مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک، رشادت وی را داشتند و با او هم‌کار و هم‌قدم می‌شدند، می‌توانستند با همه قشرهای نظامی، از عهده برانداختن قدرت سردار سپه برآیند.^۲

مهدی بامداد

وی درباره مدرس نوشته است: «... مرحوم مدرس نماینده‌ای بود ناطق، شجاع و با جرئت مجلس شورای ملی که تا آخر عمر علناً و جهراً با سلطنت پادشاه وقت، رضاشاه پهلوی مخالفت می‌کرد. مدرس زندگی ساده‌ای داشت و چندان به قید خوراک و پوشاک نبود... بسیار درست، باهوش، حاضرالذهن، حاضر جواب و وارسته بود».^۳

علامه سیدمحسن امین

دانشمند جهان تشیع و صاحب کتاب اعیان‌الشیعه در این کتاب می‌نویسد: «او (مدرس)، مردی دانشمند، فاضل، با شهامت، نترس و پیشناز بود... مدرس در آن عصر از با شهامت‌ترین مردان در مجلس و پایدارترین ایشان در پیمان خویش بود. او به مجلس حاضر می‌شد و با بحث و جدل و دست و پنجه نرم کردن، از حقوق امت اسلام و شرع مقدس دفاع می‌نمود».^۴

آیت‌ا... سیدمرتضی پسندیده

«ایشان مافوق همه بود، از هر جهت امتیاز داشت. او اصولاً به این فکر نبود که رساله منتشر کند. قابل

۱. حسین مکی، ج ۳، ص ۷.

۲. عبدا... مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۶۰۴.

۳. مهدی بامداد، شرح حال رجال نامی ایران، ج ۱، ص ۳۴۳.

۴. غلامرضا گلی زواره، همان ص ۲۰۲.

قیاس با دیگران نبود»^۱.

آیت ا... حاج سید محمد رضا بهاء‌الدینی

مرحوم مدرس یک رجل علمی و دینی و سیاسی بود و این‌گونه فردی مهم‌تر از رجل علمی و دینی است. زیرا این مظهر ولایت است که اگر ولایت و سیاست مسلمین نباشد، دیگر فروغ اسلامی تحقق کامل نمی‌یابد.^۲

امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) از مدرس به‌عنوان نماینده ممتاز و اسوه فضیلت و کمال و تدبیر و سیاست و دیانت یاد کرده و فرمودند: «اینک که مدرس با سربلندی از بین ما رفت، بر ماست که ابعاد روحی و بینش سیاسی و اعتقادی او را هرچه بهتر بشناسیم، زیرا که او زنده است و الگوی تمامی مبارزان است» و در انتخاب نمایندگان به ملت ایران سفارش فرمودند که: «سعی کنید مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنید، البته مثل مدرس که به این زودی‌ها پیدا نمی‌شود، شاید آحادی مثل مدرس باشند».^۳

علی دوانی

نویسنده و مورخ ایرانی و صاحب کتاب ارزشمند «نهضت روحانیون»، درباره مدرس می‌نویسد: «مدرس درخشنده‌ترین چهره انقلابی روحانیت در ربع قرن تاریخ سیاسی ایران و پنج دوره مجلس شورای ملی و تاریک‌ترین ادوار تاریخ مشروطه این سرزمین است. نقش او در سیاست ایران، تقریباً از آغاز مشروطیت تا اواخر رضاخان قلدر به چشم می‌خورد و در این مدت نسبتاً طولانی هیچ‌کس توفیق نیافت مانند او در برابر ظلم و ستم قد علم کند».^۴

آیت ا... سید علی خامنه‌ای

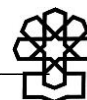
رهبر معظم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران درباره شهید مدرس فرموده است: «...مدرس کسی بود که با فراست خویش ماهیت ضداسلامی و ضد مردمی رضاخان را تشخیص داد و هم با شجاعت کم‌نظیری با او به مبارزه پرداخت... مدرس به‌عنوان یک روحانی که از چشمه فیاض دین رهایی‌بخش و انسان‌ساز اسلام سیراب بود در انجام تکلیف الهی و شرعی خویش - که مبارزه با ظلم و فساد و اختناق را سرلوحه احکام خویش دارد -

۱. حسین مکی، مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. غلامرضا گلی زواره، شهید مدرس، ماه مجلس، ص ۴۹.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۷۶.

۴. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۳۷۱.



تنها بودن را بهانه سکوت قرار نداد و چه بسا که در بسیاری از جریان‌های سیاسی کشور تنها یک فریاد بود که پرده خفقان حاکمه را می‌درید و آن فریاد خروش دشمن‌شکن مدرس بود...»^۱.

نتیجه‌گیری

مدرس از نظر اندیشه‌های سیاسی و حکومتی نقطه‌نظرات بسیار مهمی درباره دولت، حکومت، مردم، سیاست داخلی و خارجی، قانون، انتخابات جایگاه مجلس، نمایندگان، وطن‌دوستی، ملیت‌خواهی، وظایف دولت، تفکیک قوا، نهادهای مدنی و... دارد که در این پژوهش به برخی از اندیشه‌های حکومتی ایشان اشاره شده است.

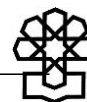
مدرس از مجلس دوم مشروطه تا امروز پیوسته در تاریخ حضور داشته و خواهد داشت، وی یکی از فقها و مجتهدین عصر قاجار و پهلوی بود که هر دو فضای اجتماعی و سیاسی ایران آن عصر را به‌خوبی درک کرد و با اندیشه صاحب‌نظران غربی هم آشنا بود. وی بر این عقیده بود که دین از سیاست نباید جدا باشد، زیرا وقتی ملت مسلمان ایران و اندیشمندان مسلمان از سیاست فاصله گرفتند و تفکر جدایی دین از سیاست ترویج یافت، لذا تنها راه نجات از این مشکل، اعتقاد نظری و عملی به ادغام و عینیت دین و سیاست و حضور فقها و اندیشمندان مسلمان در صحنه سیاسی است. مدرس سیاست سلبی و موازنه‌عدمی را مطرح کرد که بعدها الگویی برای دیگران، از جمله رهبران نهضت ملی کردن نفت ایران شد و شهید مدرس با اینکه به سیاست سلبی در سیاست داخلی و خارجی اعتقاد دارد، ولی هیچ وقت بر این باور نیست که سیاست عدمی یعنی عدم ارتباط با دیگران، بلکه کشوری را قوی می‌داند که کشورش به همه سو ارتباط داشته باشد و بتواند در عین استقلال از فن و تکنولوژی دیگران هم استفاده و بهره ببرد.

نبوغ و نوآوری و کلید اصلی شناخت شخصیت سیاسی - اجتماعی و حتی دینی - اخلاقی مدرس در نظریه «موازنه عدمی» او نهفته است. مدرس خود واضح این اصطلاح است و تا پیش از او کسی این اصطلاح را به کار نبرده بود. این نظریه پایه مبارزات ضداستبدادی و ضداستعماری مدرس است. وی برای نابودی استبداد نهایت تلاش خود را به کار برد و بر این باور بود که در هر صورت باید قوانین اسلامی در جامعه جاری شود و برای اجرای قوانین اسلام نظام می‌تواند مشروطه باشد و هم می‌تواند جمهوری باشد، البته نه جمهوری تقلبی رضاخانی. ایشان استدلال می‌کرد که راه‌حل مشکل حکومت در عصر غیبت می‌تواند جمهوری باشد. دیدگاه وی درباره مجلس این است که مجلس قانونگذاری به دلیل تشکیل شدن از نمایندگان مردم کشور به منزله عصاره ملت و مرکز ثقل مملکت است. وی مجلس را رقم زننده امور ملت و تنها مرجع تصمیم‌گیرنده در مملکت می‌دانست. مدرس معتقد بود هیچ قانون، مصوبه و امتیاز بدون نظر و تصویب مجلس، قانونی نیست.

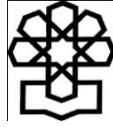
۱. عباس رضانی، سیدحسن مدرس، تهران، انتشارات ترفند، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰.

منابع و مأخذ

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۸.
۲. باقی، عبدالعلی. مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر، قم، گواه، ۱۳۷۰ ش.
۳. بامداد، مهدی. شرح حال رجال نامی ایران، تهران، گلشن، ۱۳۷۱ ش.
۴. برزگر، ابراهیم. رفتار سیاسی آیت‌... مدرس از منظر امام خمینی (ره)، علوم سیاسی، شماره ۲۴، ۱۳۸۲.
۵. بهار، محمدتقی. تاریخ مختصر احزاب سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
۶. تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران، گروه نویسندگان، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳ ش.
۷. ترکمان، محمد. آرا و اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، تهران، هزاران، ۱۳۷۴ ش.
۸. ترکمان، محمد. مدرس در پنج دوره تقنینیه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۲ جلد، ۱۳۷۲ ش.
۹. خواجه نوری، ابراهیم. بازیگران عصر طلایی، ج ۴، جاویدان، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۱۰. خواجه نوری، ابراهیم. بازیگران عصر طلایی (سیدحسن مدرس)، تهران، جاویدان، ۱۳۶۷ ش.
۱۱. دوانی، علی. نهضت روحانیون ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ج ۲، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. رضائی، عباس. سیدحسن مدرس، تهران، انتشارات ترفند، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۳. رضائی، عباس. سیدحسن مدرس، تهران، انتشارات ترفند، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم تا ششم.
۱۵. طاهری، سیدصدرالدین. زندگی سیاسی مدرس، تهران، رسا، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. عاقلی، باقر. روزشمار تاریخ ایران، تهران، گفتار ج اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. عاقلی، باقر. شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، گفتار - علم جلد سوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. عیسی‌نیا، رضا. اندیشه سیاسی شهید مدرس، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶.
۱۹. فاضلی، عبدالرضا. مدرس و دیدگاه‌های فقهی، مجلس و پژوهش، سال ۳، شماره ۱۸ بهمن و اسفند ۱۳۷۴ ش.
۲۰. فرهنگ قهرمانی، عطاء... اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. گروه نویسندگان. تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳.
۲۲. گلی زواره، غلامرضا. دیدار با ابرار، شهید مدرس ماه مجلس، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. مدرس و مجلسی (نامه‌ها و اسناد) تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. مدرس، علی. مدرس، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. مدرس، علی. مرد روزگاران، تهران، هزاران، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. مدرس، علی. نگاه مدرس به فرهنگ و تمدن غرب، کتاب سروش، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۷۵.
۲۷. مدنی، سیدجلال‌الدین. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج اول، ۱۳۷۸.
۲۸. مدنی، سیدجلال‌الدین. تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲۹. مروارید، یونس. ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت، تهران، اوحدی، جلد اول، ۱۳۷۷ ش.
۳۰. مستوفی، عبدا... تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۳.
۳۱. مشیرالدوله، سیدحسن مدرس، امام جمع خوئی، اصول تشکیلات عدلیه، جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۶۵ ش.
۳۲. مکی، حسین. تاریخ بیست‌ساله ایران، تهران، علمی ۸ جلد، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. مکی، حسین. مدرس، مدرس قهرمان آزادی، تهران، نشر کتاب، ۱۳۵۸ ش.
۳۴. ملک‌محمدی، حمیدرضا. مدرس و سیاستگذاری عمومی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.



۳۵. نجفی، موسی. تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج دوم، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۳۶. نشریه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال پنجم، شماره ۲۶، ۱۳۷۷ ش.
۳۷. نشریه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال دوم، شماره ۱۱، ۱۳۷۳ ش.
۳۸. ن
۳۹. نشریه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال سوم، شماره ۱۷، ۱۳۷۴ ش.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۵۴۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اندیشه‌های حکومتی مدرس

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: عباس باقری

همکار: میرحسین سیدزاده

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. مدرس
۲. اندیشه حکومتی
۳. حاکمیت
۴. سیاست
۵. قانون
۶. مجلس شورای ملی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۹/۷